

فضائل سبعة

مسن و ترجمه

مبداء

تالیف : شیخ صدوق

ترجمه و تحقیق : الطیف راشد، سعید راشد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فضائل شیعه

نویسنده:

محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	فضائل شیعه
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه ناشر
۱۰	حدیث شماره یکم
۱۴	حدیث شماره دوم
۱۵	حدیث شماره سوم
۱۵	حدیث شماره چهارم
۱۵	حدیث شماره پنجم
۱۷	حدیث شماره ششم
۱۷	حدیث شماره هفتم
۱۹	حدیث شماره هشتم
۲۲	حدیث شماره نهم
۲۳	حدیث شماره دهم
۲۳	حدیث شماره یازدهم
۲۵	حدیث شماره دوازدهم
۲۵	حدیث شماره سیزدهم
۲۶	حدیث شماره چهاردهم
۲۶	حدیث شماره پانزدهم
۲۶	حدیث شماره شانزدهم
۲۶	حدیث شماره هفدهم
۳۵	حدیث شماره هجدهم
۴۳	حدیث شماره نوزدهم
۴۴	حدیث شماره بیستم

۴۴	حدیث شماره بیست و یکم
۴۵	حدیث شماره بیست و دوم
۴۶	حدیث شماره بیست و سوم
۴۸	حدیث شماره بیست و چهارم
۴۹	حدیث شماره بیست و پنجم
۵۲	حدیث شماره بیست و ششم
۵۲	حدیث شماره بیست و هفتم
۵۳	حدیث شماره بیست و هشتم
۵۵	حدیث شماره بیست و نهم
۵۵	حدیث شماره سی ام
۵۷	حدیث شماره سی و یکم
۵۷	حدیث شماره سی و دوم
۵۸	حدیث شماره سی و سوم
۵۸	حدیث شماره سی و چهارم
۵۸	حدیث شماره سی و پنجم
۵۸	حدیث شماره سی و ششم
۶۱	حدیث شماره سی و هفتم
۶۲	حدیث شماره سی و هشتم
۶۳	حدیث شماره سی و نهم
۶۴	حدیث شماره چهلم
۶۴	حدیث شماره چهل و یکم
۶۴	حدیث شماره چهل و دوم
۶۵	حدیث شماره چهل و سوم
۶۶	حدیث شماره چهل و چهارم
۶۷	حدیث شماره چهل و پنجم
۶۷	پی نوشتها

سرشناسه: ابن بابویه محمد بن علی ۳۱۱ ۳۸۱ق. عنوان قراردادی: فضائل الشیعه. فارسی - عربی عنوان و نام پدیدآور: متن کامل و ترجمه کتاب فضائل شیعه/ شیخ صدوق (ره)؛ ترجمه و تحقیق لطیف راشدی، سعید راشدی. مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: ۸۵ ص. شابک: ۷۰۰۰ ریال؛ ۰۰۰۸ ریال ۸۷۹-۴۶۹-۳۷۹-۳۱-۴: وضعیت فهرست نویسی: فایا(چاپ دوم) یادداشت: فارسی - عربی. یادداشت: چاپ اول: ۷۸۳۱. یادداشت: چاپ دوم. یادداشت: عنوان روی جلد: فضائل شیعه متن و ترجمه. عنوان روی جلد: فضائل شیعه متن و ترجمه. موضوع: احادیث اخلاقی -- قرن ۴ ق. موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۴ ق موضوع: اخلاق اسلامی شناسه افزوده: راشدی لطیف ۲۳۳۱ -، مترجم شناسه افزوده: راشدی، سعید، ۰۶۳۱ -، مترجم شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره: ۸۴۲PB / الف ۲ف۱۴۰۶ ۸۸۳۱ رده بندی دیویی: ۲۱۲/۷۹۲ شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۳۲۱۳۱

مقدمه ناشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ، الْفَرْدِ الصَّمَدِ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِهِ الْمَجْتَبِيِّ وَرَسُولِهِ الْمُصْطَفِيِّ، أَرْسَلَهُ إِلَى كَافَةِ الْوَرَى، بِشِيرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بَاذَنَهُ وَسَرَاجًا مَنِيرًا وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ أُمَّهَالِهِدَى وَمَصَابِيحِ الدَّجَى، الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهَدَى.

و بعد:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «العلماء ورثة الانبياء»:

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله فرمود: «عالمان و دانشمندان [دین وارث پیامبران هستند]». «نهج الفصاحه»

جناب

شیخ جلیل القدر مرحوم صدوق قدس سره به حق، یکی از استوانه و پشتوانه های تعالیم اهل بیت علیهم السلام و از مفاخر، ذخایر و پاسداران مکتب انسان ساز تشیع می باشد. او با تلاش خستگی ناپذیر، تألیفات و تصنیفات گرانسنگ بی شماری از خود به میراث گذاشت؛ ایشان به عنوان شخصیتی بزرگ و سترگ مطرح است که مکتب پربار تشیع به وجود این عالم بزرگ و نظایر این بزرگوار به خود می بالد و باید میراث آنان را پاس داشت. از جمله آثار این بزرگ مرد علم و جهاد، چند رساله پُر محتوا به نام های «صفات شیعه»، «فضایل شیعه»، «آیین دوستی» و «اعتقادات شیخ صدوق» می باشد.

یک شخص پیرو مکتب اهل بیت علیهم السلام که خود را شیعه می داند، قطعاً باید بداند که یک فرد شیعه چه فضایی دارد. با دانستن فضایل شیعه بودن، مقام و ارزش شیعه بودن را درک می کند. کسی که فضایل شیعه را درک نمود، بدون تردید نیاز آشنایی با صفات شیعه را پیدا می کند تا به تمام این صفات ارزشمند که منشأ و حیانی دارد، خود را متصف سازد و به عنوان یک شخص شیعه مورد رضایت خداوند متعال و اهل بیت علیهم السلام هویت یابد.

این دو عنوان؛ یعنی «فضایل شیعه» و «صفات شیعه» به صورت ممتاز با متن عربی احادیث همراه با سند و منابع آنها و ترجمه گویا، روان و شیرین در اختیار شما عزیزان می باشد.

ان شاء الله با مطالعه و عمل به مفاد آنها بتوانیم یک شیعه واقعی باشیم و خشنودی پروردگار متعال و اهل بیت علیهم السلام را تحصیل نماییم و مایه رشد و تعالی برای این مذهب شویم.

امیدواریم به زودی شاهد به ثمر رسیدن دو

اثر دیگر یعنی «آیین دوستی» و «عقاید شیخ صدوق» باشیم تا با عقاید یک متفکر و اندیشمند که وجود او مایه برکت و مباحثات شیعیان است آشنا شویم و نیز با کتاب «آیین دوستی» با دوستان و خلیلان مورد نظر اهل بیت علیهم السلام آشنا شده و محشور شویم که دوست نقش اساسی در شکل گیری و ساختار شخصیت روحی - معنوی تمام انسان ها دارد.

در پایان از زحمات برادر دانشمند و محب اهل بیت علیهم السلام جناب آقای لطیف راشدی که زحمت ترجمه و تحقیق این اثر گرانسنگ را بر عهده داشته اند قدردانی نموده و امید است در پناه حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه الشریف» موفق و مؤید باشند.

«ربنا تقبل منا و اجعله ذُخراً و زاداً لآخرتنا انک انت السميع العليم و فعّال لما تريد».

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

حدیث شماره یکم

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلواته على محمد وآله الطاهرين ١. قال أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القميّ الفقيه رضي الله عنه:

قال: حدّثنا أبي رضي الله عنه، قال: حدّثنا عبد الله بن الحسين المودّب، عن أحمد بن علي الاصفهاني، عن محمد بن أسلم الطوسي، قال: حدّثنا أبو رجاء [عن حماد بن زيد، عن عبدالرحمان السراج عن نافع، عن ابن عمر قال:

سألنا النبي صلى الله عليه وآله عن علي بن أبي طالب عليه السلام؟

فغضب صلى الله عليه وآله ثمّ قال: ما بال أقوام يذكرون من منزلته من الله كمنزلتي.

ألا و من أحبّ علياً فقد أحبّني و من أحبّني فقد رضي الله عنه و من رضي الله عنه كافأه الجنّه.

ألا و من أحبّ علياً لا يخرج من الدنيا حتّى يشرب

من الكوثر و يأكل من طوبى و يرى مكانه فى الجنه.

ألا و من أحبّ علياً يقبل الله صلواته و صيامه و قيامه و استجاب له دعاءه.

ألا و من أحبّ علياً استغفرت له الملائكه و فتحت له أبواب الجنه الثمانيه يدخلها من أى باب شاء بغير حساب.

ألا و من أحبّ علياً أعطاه الله كتابه بيمينه و حاسبه حساب الأنبياء.

ألا و من أحبّ علياً هون الله عليه سكرات الموت و جعل قبره روضه من رياض الجنه.

ألا و من أحبّ علياً أعطاه الله بكلّ عرق فى بدنه حوراء و شفّع فى ثمانين من أهل بيته و له بكلّ شعره فى بدنه حوراء و مدينه فى الجنه.

ألا- و من أحبّ علياً بعث الله اليه ملك الموت كما يبعث الى الأنبياء و دفع الله عنه هول منكر و نكير و بيض وجهه و كان مع حمزه سيد الشهداء.

ألا و من أحبّ علياً أثبت الله فى قلبه الحكمه و أجرى على لسانه الصواب و فتح الله عليه أبواب الرحمه.

ألا و من أحبّ علياً سمى فى السماوات و الأرض أسير الله.

ألا و من أحبّ علياً ناداه ملك من تحت العرش:

يا عبد الله استأنف العمل، فقد غفر الله لك الذنوب كلّها.

ألا و من أحبّ علياً جاء يوم القيامة و وجهه كالقمر ليله البدر.

ألا و من أحبّ علياً وضع على رأسه تاج الملك و البس حله الكرامه.

ألا و من أحبّ علياً جاز على الصراط كالبرق الخاطف.

ألا و من أحبّ علياً كتب له براءه من النار و جواز على الصراط و أمان العذاب و لم ينشر له ديوان و لم ينصب له ميزان و قيل له: أدخل الجنه بلا حساب.

ألا و من أحبّ علياً صافحته الملائكه و زارته

الأنبياء و قضى الله له كل حاجه.

ألا و من أحب آل محمد أمن من الحساب و الميزان و الصراط.

ألا و من مات على حب آل محمد فأنا كفيله بالجنه مع الأنبياء.

ألا و من مات على بغض آل محمد لم يشم رائحه الجنه.

قال أبو رجاء: كان حماد بن زيد يفتخر بهذا و يقول هو الأمل. (١)

شيخ صدوق رحمه الله عليه گفت: ابن عمر گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله راجع به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام سؤال کردیم، حضرت ناراحت شد (٢) و فرمود:

عده ای در مورد علی علیه السلام گفتگو و کنجکاوی می کنند، آنها از این کارشان چه قصد و منظوری دارند؟ جایگاه او نزد خدا، همانند جایگاه من پیش پروردگار است.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، مرا دوست داشته و هر کس مرا دوست داشته باشد، خدا از او راضی می شود و هر کس خدا از او راضی باشد، بهشت پاداش اوست.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، از دنیا خارج نمی شود، تا اینکه از حوض کوثر بنوشد و از درخت طوبی بخورد و جای خود را در بهشت ببیند.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، نماز و روزه او مورد قبول است و دعایش مستجاب می گردد.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، ملائکه برای او طلب آمرزش و مغفرت می کنند و درب های هشتگانه بهشت بر روی او گشوده می شود، تا از هر دری که می خواهد، بدون حساب وارد شود.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، خداوند در قیامت، نامه اعمالش را به دست راست او خواهد داد و حسابرسی از او، مثل حسابرسی از پیامبران است.

بدانید! هر

کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، خداوند سکرات و سختی های مرگ را بر او آسان می کند و قبرش را برای او، باغی از باغ های بهشت قرار می دهد.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، خداوند به تعداد هر رگی که در بدن اوست، حورالعین به او می بخشد و شفاعتش در مورد هشتاد نفر از اقوام و نزدیکانش پذیرفته می شود و به تعداد هر مویی که در بدنش روئیده، حوریه و شهری در بهشت برای او خواهد بود.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، خداوند فرشته مرگ را هنگام جان دادن، به صورتی نزد او می فرستد که به نزد پیامبران می فرستد و ترس نکیر و منکر را از او برمی دارد و چهره اش را سفید و نورانی می گرداند و او را با حمزه سیدالشهداء علیه السلام محشور می فرماید.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، خداوند حکمت را در دل او ثابت قرار می دهد و زبانش را به درستی و راستی گویا می کند و از لغزش و خطا محافظتش می فرماید و درهای رحمت خود را می گشاید.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، در آسمان و زمین اسیر عشق او نامیده می شود.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، فرشته ها از زیر عرش صدایش می کنند و می گویند: ای بنده خدا! عملت را از نو شروع کن که خداوند تمام گناهان تو را بخشیده است.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، در صحرای محشر، همانند ماه شب چهارده، نورانی وارد می شود.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، تاجی بر سرش گذاشته و لباس های عزت بر وی پوشانیده می شود.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، همانند

برق جهنده از پل صراط می گذرد.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، از آتش جهنم در امان خواهد بود و اجازه عبور از صراط به وی داده می شود و برای او حسابرسی نیست و دیوان عمل او را باز نمی کنند و اعمال او را نمی سنجند و به او می گویند که بدون حساب داخل بهشت شود.

بدانید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، فرشتگان با او مصافحه می کنند و پیامبران علیهم السلام او را زیارت می نمایند و خداوند متعال آرزوهایش را برآورده می سازد. هر کس خاندان محمدعلیهم السلام را دوست بدارد، از حسابرسی و سنجش اعمال و لغزش از پل صراط، در امان خواهد بود.

هر کس بر دوستی خاندان محمدعلیهم السلام بمرسد، من ضامن همنشینی او با پیامبران، در بهشت هستم.

دوری کنید از اینکه بر دشمنی خاندان محمدعلیهم السلام بمرید، چون بوی بهشت را استشمام نخواهید کرد.

ابو رجاء گفت: حماد بن زید به محبت خاندان محمدعلیهم السلام افتخار می کرد و می گفت: اصل قبولی اعمال این است.»

حدیث شماره دوم

۲. حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ [عَنْ بَنِي أَحْمَدَ بْنِ حَمْدَانَ الْقَشِيرِيِّ عَنِ الْمَغِيرَةِ بْنِ مَحْمَدٍ بْنِ الْمَهَلْبِ الْأَزْدِيِّ، عَنِ عَبْدِ الْغَفَّارِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكَلَابِيِّ، عَنِ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ، عَنِ جَابِرٍ، عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: [حَبِّي وَ] حَبِّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ أَهْوَالِهِنَّ عَظِيمَةٌ: عِنْدَ الْوَفَاءِ وَ فِي الْقَبْرِ وَ عِنْدَ النُّشُورِ وَ عِنْدَ الْكِتَابِ وَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ. (۳)

امام سجاد علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

دوستی با اهل بیت من، در هفت جایگاه ترسناک برای

شما مفید است:

(۱) هنگام مرگ (۲) در قبر (۳) موقع برخاستن از قبور (۴) وقت باز شدن پرونده اعمال (۵) در حسابرسی (۶) هنگام سنجش اعمال (۷) عبور از پُلِ صراط.

حدیث شماره سوم

۳. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ [عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ] عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَسْلَمٍ الشَّغِيرِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أثبتكم قدماً على الصراط أشدكم حباً لأهل بيتي. (۴)

امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

هر کس از شما که محبتش به اهل بیت من، بیشتر باشد، قدمش از لغزیدن بر روی پُلِ صراط در امان تر خواهد بود.

حدیث شماره چهارم

۴. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ رَحِمَهُ اللَّهُ [عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ بَكْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ عَنْ [أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَعَلِّي عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ! مَا ثَبِتَ حَبْكُكَ فِي قَلْبِ امْرَأَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَزَلَّتْ بِهِ قَدَمُهُ عَلَى الصَّرَاطِ إِلَّا ثَبِتَتْ لَهُ قَدَمٌ حَتَّى يَدْخُلَهُ اللَّهُ بِحَبْكِكَ الْجَنَّةَ. (۵)]

امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! محبت تو، در دل هر مومنی که جای گیرد خداوند او را از لغزش روی پل صراط محافظت خواهد کرد و قدم های او را استوار و محکم خواهد نمود و او را به بهشت خواهد برد.

حدیث شماره پنجم

۵. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ الْقَزْوِينِيِّ أَبُو الْحَسَنِ الْمَعْرُوفُ بِأَبْنِ مَقْبَرِهِ [عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ عَصَامِ بْنِ يَوْسَفَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَيُّوبَ الْكَلَابِيِّ، عَنْ عَمْرِو بْنِ سَلِيمَانَ] عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ مِنَ الْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ شَمْسٌ وَغُرِبَتْ.

و من أبغضه في حياته و بعد موته، مات موته جاهليه و حوسب بما عمل. (۶)

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

هر کس علی علیه السلام را در زندگی و پس از مرگش دوست داشته باشد، تا زمانی که آفتاب طلوع و غروب می کند، خداوند برای او امن و ایمان می نویسد و کسی که با او در زمان زندگی و پس از مرگش دشمنی داشته باشد، به مرگ زمان جاهلیت مُرده و از

کوچک ترین کاری که کرده، بازخواست خواهد شد.

حدیث شماره ششم

۶. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَسَدِيُّ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ جَرَادَةَ الْبَرْدَعِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا رَقِيهَ بِنْتُ إِسْحَاقَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَتْ: حَدَّثَنِي أَبِي إِسْحَاقُ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يزول قدم عبد يوم القيامة حتى يسأل عن أربعة أشياء: عن شبابه فيما أبلاه و عن عمره فيما أفناه و عن ماله من أين اكتسبه و فيما أنفقه و عن حَبْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. (۷)

بنده در روز قیامت، هر قدمی که بر می دارد از این چهار چیز از او سؤال می کنند: (۱) از جوانیش که در چه راهی به کار برده (۲) از عمرش که در چه کاری تلف نموده (۳) از مالش که از کجا به دست آورده و در کجا خرج کرده (۴) از محبت ما اهل بیت علیهم السلام.

حدیث شماره هفتم

۷. حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ [عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْقَوَارِيرِيِّ، عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمَّارٍ، عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ تَوْبَةَ، عَنْ زِيَادِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبِكَائِيِّ، عَنْ سَلِيمَانَ الْأَعْمَشِ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ، قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذْ أَقْبَلَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِابْلِيسَ: «أَسْتَكْبِرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ» (۸) فَمَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ الَّذِينَ هُمْ أَعْلَى مِنَ الْمَلَائِكَةِ؟

فقال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أنا و علي و فاطمه و الحسن و الحسين، كنا في سرادق العرش نسيح الله و نسيح الملائكة بتسيحنا قبل أن يخلق الله عز و جلّ آدم بألفى عام.

فلما خلق الله عز و جلّ آدم، أمر الملائكة أن يسجدوا له و لم يأمرنا بالسجود فسجدت الملائكة كلهم الا ابليس فإنه أبقى و لم يسجد.

فقال الله تبارك و تعالى: «أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ» عنى من هولاء الخمسة المكتوبه أسماوهم فى سرادق العرش فنحن باب الله الذى يوتى منه، بنا يهتدى المهتدون فمن أحبنا أحببه الله و أسكنه جنته و من أبغضنا أبغضه الله و أسكنه ناره و لا يحبنا الا من طاب مولده. (٩)

ابوسعيد خدرى گفت: با رسول خدا صلى الله عليه وآله نشسته بوديم، مردى جلو آمد و عرضه داشت: يا رسول خدا! در مورد اين فرموده خداوند به ابليس «أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ» «تکبر نمودى، يا از برترين ها بودى» به من خبر بده پس عالين چه كسانى هستند كه از فرشتگان مقامى بالاتر دارند؟

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

دو هزار سال قبل از خلقت آدم و هنگامى كه خداوند، آدم را آفريد من، على، فاطمه، حسن و حسين عليهم السلام در مقابل عرش پروردگار بوديم و او را تسيح مى گفتيم و فرشتگان به تسيح ما، تسيح مى گفتند. به فرشتگان دستور داد كه آدم را سجده كنند و به ما چنين دستورى نداد. تمام فرشتگان سجده كردند جز ابليس كه اين كار را انجام نداد.

سپس خداوند بزرگ فرمود: «أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ» مقصود از عالين، پنج تن بودند كه نام آنها بر سرادق عرش خداوند نوشته شده بود و ما كسانى هستيم كه

خلاق از طریق ما می توانند به خداوند نزدیک شوند و به وسیله ما هدایت می شوند و کسی که ما را دوست داشته باشد، خداوند او را دوست می دارد و او را در بهشت ساکن می گرداند و کسی که با ما دشمنی داشته باشد، خداوند او را دشمن می دارد و او را در آتش جهنم جای می دهد. و این را بدان که کسی جز حلال زاده ما را دوست ندارد.

حدیث شماره هشتم

۸. حدّثنا عبد الله بن محمّد بن عبد الوهاب [باسناد یرفعه] قال: حدّثنا محمّد بن حمران، عن أبيه، عن أبي عبد الله جعفر بن محمّد الصادق عليه السلام قال:

خرجت أنا و أبي ذات يوم الى المسجد فاذا هو بأناس من أصحابه بين القبر و المنبر، قال: فدنا منهم و سلّم عليهم و قال:

أنتي و الله لا يحبّ ریحکم و ارواحکم، فأعینو علی ذلك بورع و اجتهاد. و اعلموا أنّ و لا یتنا لا تنال الآ بالورع و الاجتهاد، من ائتّم منکم بقوم فلیعمل بعملهم، أنتم شیعه الله و أنتم أنصار الله و أنتم السابقون الاولون و السابقون الآخرون و السابقون فی الدنيا الی محبّتنا و السابقون فی الآخرة الی الجنّه.

ضمنت لكم الجنّه بضمان الله عزّ و جلّ و ضمان النبی صلی الله علیه و آله و أنتم الطیبون و نساوكم الطیبات، کلّ مؤمنه حوراء و کلّ مؤمن صدّیق.

کم من مرّه قال أمير المؤمنین علیه السلام لقبیر:

أبشروا و بشّروا فوالله لقد مات رسول الله صلی الله علیه و آله و هو ساخط علی امّته الاّ الشیعه [ألا و انّ لكلّ شیء عروه و عروه الدین الشیعه].

ألا و انّ لكلّ شیء شرفاً و شرف الدین الشیعه.

ألا و انّ لكلّ شیء سیداً و سید المجالس مجالس الشیعه.

ألا و انّ لكلّ

شىء اماماً و امام الأرض أرض تسكنها الشيعة.

ألا و أنّ لكل شىء شهوه و أنّ شهوه الدنيا سكنى شيعتنا فيها.

و الله لولا ما فى الأرض منكم ما استكمل أهل خلافكم طيبات [ما لهم] فى الآخرة فيها من نصيب، كلّ ناصب و ان تعيّد و اجتهد منسوب الى هذه الآية «عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصُلَّى نَارًا حَامِيَةً» (١٠) و من دعا لكم مخالفاً فاجابه دعائه لكم و من طلب منكم الى الله تبارك و تعالى اسمه حاجه، فله مائه [و من سأل منكم مسأله فله مائه].

و من دعا دعوه فله مائه و من عمل حسنه فلا يحصى تضاعفاً و من أساء سيئه فمحمّد رسول الله صلى الله عليه وآله حجّته على تبعته.

و الله أنّ صائمتكم ليرتع فى رياض الجنّه، تدعو له الملائكه بالفوز حتى يفطر و أنّ حاجكم و معتمركم لخاصّه الله عزّو جلّ و أنّكم جميعاً لأهل دعوه الله و أهل ولايته لا خوف عليكم و لا حزن، كلّكم فى الجنّه فتنافسوا فى الصالحات.

و الله ما أحد أقرب من عرش الله عزّو جلّ بعدنا [يوم القيامة] من شيعتنا، ما أحسن صنع الله اليهم لو لا أن تفشلوا و يشمت بكم عدوّكم و يعظّم الناس ذلك لسلمت عليكم الملائكه قبلاً.

قال أميرالمؤمنين عليه السلام: يخرج أهل ولايتنا من قبورهم يخاف الناس و هم لا يخافون و يحزن الناس و هم لا يحزنون.

[قال:] و قد حدّثنى محمّد بن الحسن بن الوليد رحمه الله بهذا الحديث [باسناده عن أبى بصير، عن أبى عبد الله عليه السلام (مثله) إلا أنّ حديثه لم يكن بهذا الطول (و) فى هذا زياده ليست فى ذلك و المعانى متقاربه. (١١)]

روزی من و پدرم به مسجد رفتیم و میان قبر رسول خداصلی

الله عليه وآله و منبرش، به عده ای از اصحاب او برخورد کردیم. به آنان نزدیک شدیم، پدرم به آنها سلام کرد و فرمود:

به خدا قسم! بو و جان های شما را دوست دارم، پس با پرهیزگاری و جهاد با نفس به این محبت و رابطه کمک کنید و بدانید که ولایت و دوستی ما جز با دوری از گناه و پرهیزگاری و تلاش در راه حق، به دست نمی آید. هر کس از عده ای پیروی کند، باید مانند آنها رفتار نماید، شما شیعه و حزب و یاران خدا هستید، پیشی گیرندگان اول و آخرید، در دنیا برای محبت به ما و در آخرت برای وارد شدن به بهشت، سبقت گیرنده هستید.

بهشت را به ضمانت خدا و رسولش برای شما ضمانت کردم، شما و زنانان پاک هستید. هر زن مؤمنی حوری است و هر مرد مؤمنی، راستگو و صدیق می باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام بارها به غلامش قنبر فرمود: بر شما بشارت و مژده باد خوشحال باشید که به خدا قسم! رسول خداصلی الله علیه وآله از دنیا درگذشت، در حالی که بر تمامی امتش، جز شیعیان خشمناک و غضبناک بود.

بدانید! برای هر چیز شرفی است و شرف دین، شیعه است.

بدانید! برای هر چیزی آقایی و سروری است و سرور مجالس، جایگاه شیعیان می باشد.

بدانید! برای هر چیز رهبری است و رهبر زمین ها، آن زمینی است که شیعه در آن ساکن باشد.

بدانید! برای هر چیز تمایلی است و تمایل به دنیا، خانه ای است که شیعه ما در آن ساکن باشد.

به خدا قسم! اگر کسی از شما بر روی زمین نبود، مخالفین شما ابداً از خوبی بهره ای نمی بردند؛ آنان در آخرت نصیبی ندارند.

هر کس که دشمن ما و شما باشد، اگر در عبادت و انجام اعمال نیک پر تلاش باشد، مشمول این آیه «عَامِلَهُ نَأْصِبَهُ تَصَلَّى نَاراً حَامِيَةً» کسانی که پیوسته عمل می کنند و خسته می شوند و در آتش سوزان وارد می گردند.» است.

اگر کسی از مخالفان برای شما دعا کند، دعای او درباره شما به استجاب خواهد رسید و اگر کسی از شما حاجتی بخواهد و یا دعایی کند، صد برابر آن، برای او خواهد بود.

اگر کسی از شما کار نیکی کند، زیادی جزای آن را نمی توان شمرد و اگر کسی از شما کار بدی کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله از تبعات و آثار آن، جلوگیری می کند.

به خدا سوگند! روزه دار شما در باغ های بهشت قدم برمی دارد و ملائکه او را به پیروزی و رستگاری مژده می دهند، تا افطار کند. حج کننده و عمره گزارنده شما از خواص درگاه حق به حساب می آید و یقیناً همگی شما از اهل دعوت و ولایت خدا هستید و ترس و اندوهی بر شما نمی باشد، تمام شما در بهشتید، پس در انجام کارهای نیک از یکدیگر سبقت بگیرید.

به خدا قسم! پس از ما، کسی به پروردگار عالم، نزدیک تر از شما نیست. چقدر خداوند به شما نیکی کرده است، اگر چنین نبود، در کارها عاجز و ناتوان می شدید و دشمنان شما را سرزنش می کردند و مردم این را امری بزرگ می پنداشتند. فرشتگان با شما رو به رو می شدند و سلام می کردند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: دوستان ما در حالی از قبرهایشان برانگیخته می شوند که همه مردم ترسان و ناراحتند و آنان ترسی و ناراحتی ای ندارند.

حدیث شماره نهم

۹. عن أبي ذرّ رضي الله عنه، قال:

رأيت رسول الله صلى الله عليه وآله قد ضرب كتف علي ابن أبي طالب عليه السلام بيده وقال: يا علي من أحبنا فهو العربي و من أبغضنا فهو العلي فشيئتنا أهل البيوتات و المعادن و الشرف و من كان مولده صحيحاً.

ما علي مله ابراهيم عليه السلام الا نحن و شيئتنا و سائر الناس منها براء، ان الله و ملائكته يهدمون سيئات شيئتنا كما يهدم القدوم البنيان.(١٢)

ابوذر رحمه الله گفت: ديدم رسول خدا صلى الله عليه وآله بر كتف علي عليه السلام زد و فرمود: يا علي! هر كس ما را دوست داشته باشد، از ما است و هر كس كه با ما دشمنی داشته باشد، كافر است. پس شيعيان ما اصیل زاده و با شرافتند و به صورت صحيح به دنيا آمده اند. و كسی جز ما و پیروانمان بر آيين ابراهيم عليه السلام نیست، ساير مردم از اين راه دور هستند. خداوند و فرشتگان، بدی های شيعيان ما را از بين می برند، همان طور كه تيشه، ساختمان را خراب می كند.

حديث شماره دهم

١٠. حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ: قَالَ: حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ يَزِيدَ، عَنْ أَيُّوبَ عَنِ عَطَاءِ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حَبَّ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ يَأْكُلُ السَّيِّئَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطْبَ.(١٣)

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

دوستی علی علیه السلام، گناهان شیعیان را از بین می برد، همان طور كه آتش، هیزم را از بين می برد.

حديث شماره یازدهم

١١. و بهذا الاسناد، عن استفاد بن محیی قال: حَدَّثَنَا زَكْرِيَّا بْنُ يَحْيَى بْنِ أَبَانَ الْقَسْطَاطِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ، عَنْ عَقْبَةَ، عَنْ عَامِرِ الْجَهْنِيِّ، قَالَ:

دخل رسول الله صلى الله عليه وآله المسجد و نحن جلوس و فينا أبوبكر و عمر و عثمان و علي عليه السلام في ناحية، فجاء النبي صلى الله عليه وآله فجلس الى جانب علي عليه السلام فجعل ينظر يمينا و شمالا.

ثم قال: انَّ عن يمين العرش و عن يسار العرش لرجالا علي منابر من نور تتلأأ و جوههم نوراً.

قال: فقام أبوبكر و قال: بأبي أنت و أمي يا رسول الله أنا منهم؟

قال له: اجلس.

ثم قام اليه عمر، فقال له مثل ذلك، فقال له: اجلس.

فلما رأى ابن مسعود ما قال لهما النبي صلى الله عليه وآله قام حتى استوى قائماً على قدميه، ثم قال: بأبي أنت و أمي يا رسول الله

صفههم لنا، نعرفهم بصفتهم.

قال: فضرب على منكب علي عليه السلام ثم قال: هذا و شيعته هم الفائزون. (۱۴)

عامر جهنی گفت: رسول خداصلی الله علیه وآله وارد مسجد شد و ما نشسته بودیم و ابوبکر، عمر، عثمان و علی علیه السلام نیز در میان ما بودند. رسول خداصلی الله علیه وآله نزد علی علیه السلام نشست و به راست و چپ نگاهی کرد و فرمود:

در راست و چپ عرش، مردانی بر

منبرهایی از نور هستند که از صورت آنان نور می تابد.

ابوبکر برخاست و گفت: پدر و مادرم فدای تو باد، ای رسول خدا! من از آنانم؟

فرمود: بنشین.

سپس عمر برخاست و گفته ابوبکر را عرض کرد.

رسول خداصلی الله علیه و آله به او نیز فرمود: بنشین.

هنگامی که ابن مسعود این جریانات را دید، بلند شد و عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو باد؛ اوصاف آنان را بر ایمان بگو، تا به صفت و نشانی، آنها را بشناسیم.

رسول خداصلی الله علیه و آله دست خود را بر دوش امیرالمؤمنین علیه السلام زد و فرمود: او و شیعیانش رستگارانند.

حدیث شماره دوازدهم

۱۲. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ، [عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْرِبَانَ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ حَبِيبِ السَّجِسْتَانِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: لَا عَدُوَّ بَنِي كَلْبٍ رَعِيَهُ فِي الْإِسْلَامِ (دانت بولایه) امام جائر ظالم لیس من الله عزوجل و ان كانت الرعيه في أعمالها باره تقيه، لا وعفون عن كل رعيه في الاسلام (دانت بولایه) امام عادل من الله عزوجل و ان كانت الرعيه في أعمالها ظالمه مسيئه. (۱۵)

رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال فرموده است:

«هر رعیتی که به رهبر ظالمی که از طرف غیر من منصوب شده نزدیک شود و او را دوست داشته باشد، اگرچه بسیار با تقوا و نیکوکار باشد، او را عذاب می کنم و هر رعیت مسلمانی که به دوستی امام عادل که از طرف من منصوب شده باشد، نزدیک شود، اگرچه ظالم و بد کردار باشد، او را می بخشم.»

حدیث شماره سیزدهم

۱۳. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ [بِإِسْنَادٍ رَفَعَهُ قَالَ: حَدَّثَنَا الْمُفَضَّلُ عَنْ أَبِي حَمزَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

أَنْتُمْ أَهْلُ تَحِيهِ اللَّهِ وَ سَلَامِهِ وَ أَنْتُمْ أَهْلُ إِثْرِهِ اللَّهُ وَ رَحْمَتِهِ وَ أَهْلُ تَوْفِيقِ اللَّهِ وَ عَصْمَتِهِ وَ أَهْلُ دَعْوَةِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ حَسَابٌ عَلَيْكُمْ وَ لَا خَوْفٌ وَ لَا حِزْنٌ. (۱۶)

امام صادق علیه السلام فرمود:

شما شایسته درود و رحمت خدا هستید و از اکرام شدگان حق و شایسته توفیق و در پناه پروردگار و شایسته دعوت خدا و بندگی او می باشید. حسابرسی و ترس و ناراحتی برای شما نیست.

حدیث شماره چهاردهم

۱۴. قال أبو حمزه: و سمعت أبا عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام يقول: رفع القلم عن الشيعة بعصمه الله و ولايته. (۱۷)

امام صادق علیه السلام فرمود:

گناهان شیعیان ما نوشته نمی شود، چون خداوند آنان را محافظت می کند و در قلعه ولایت خداوند هستند.

حدیث شماره پانزدهم

۱۵. قال أبو حمزه: و سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول:

انى لأعلم قوماً قد غفر الله لهم و رضى عنهم عصمهم و رحمهم و حفظهم من كل سوء و أيدهم و هداهم الى كل رشد و بلغ بهم غاية الامكان.

قیل: من هم يا أبا عبد الله؟ قال: اولئك شيعتنا الأبرار، شيعه على عليه السلام. (۱۸)

امام صادق علیه السلام فرمود:

«من گروهی را می شناسم که خداوند گناهانشان را بخشیده و از آنان راضی است و آنها را تأیید می کند و به راه راست هدایت می فرماید و به آنها در حد امکان رسیدگی می کند.

پرسیده شد: یا ابا عبد الله! آنها چه کسانی هستند؟

فرمود: شیعیان نیکوکار و پیروان علی علیه السلام هستند.

حدیث شماره شانزدهم

۱۶. و قال أبو عبد الله عليه السلام: نحن الشهداء على شيعتنا و شيعتنا شهداء على الناس و بشهادة شيعتنا يجوزون و يعاقبون. (۱۹)

امام صادق علیه السلام فرمود:

ما شاهد بر شیعیان خود هستیم و شیعیان ما، شاهد بر مردم می باشند و مردم به وسیله شهادت شیعیان به پاداش و عقاب می رسند.

حدیث شماره هفدهم

١٧. أبى رحمه الله قال: حدّثنى سعد بن عبد الله، (باسناد يرفعه) عن أبى بصير عن أبى عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يا على ان الله وهبك حبّ المساكين والمستضعفين فى الأرض، فرضيت بهم اخواناً و رضوا بك اماماً.

فطوبى لمن أحبّك و صدّق عليك و ويل لمن أبغضك و كذّب عليك.

يا على أنت العالم بهذه الامه، من أحبّك فاز و من أبغضك هلك.

يا على أنا المدينه و أنت بابها و هل توتى المدينه الا من بابها؟

يا على أهل مودتك كلّ أوّاب حفيظ و كلّ ذى طمر لو أقسم على الله لبر قسمه.

يا على اخوانك كلّ طاهر و زكى مجتهد يحبّ فيك و يبغض فيك، محتقر عند الخلق، عظيم المنزله عند الله.

يا على محبوبك جيران الله فى دار الفردوس، لا يتأسفون على ما خلّفوا من الدنيا.

يا على أنا ولى لمن واليت و أنا عدو لمن عاديت.

يا على من أحبّك فقد أحبّنى و من أبغضك فقد أبغضنى.

يا على اخوانك الذبل الشفاه، تعرف الرهبانيه فى وجوههم.

يا على اخوانك يفرحون فى ثلاثه مواطن: عند خروج أنفسهم و أنا شاهدهم و أنت و عند المساءله فى قبورهم و عند العرض و

عند الصراط، اذا سئل سائر الخلق عن ايمانهم فلم يجيبوا.

يا على حربك حربى و سلمك سلمى و حربى حرب الله، من سالمك فقد سالم الله عزّوجلّ.

يا على بشر اخوانك بانّ الله قد رضى عنهم

اذ رضيك لهم قائداً و رضوا بك ولياً.

يا على أنت أمير المؤمنين و قائد الغز المحجلين.

يا على شيعتك المنتجبون و لو لا أنت و شيعتك ما قام لله دين و لو لا من فى الارض منكم لما أنزلت السماء قطرها.

يا على لك كنز فى الجته و أنت ذو قرنيها و شيعتك تعرف بحزب الله.

يا على أنت و شيعتك القائمون بالقسط و خيره الله من خلقه.

يا على أنا أول من ينفذ التراب من رأسه و أنت معى، ثم سائر الخلق.

يا على أنت و شيعتك على الحوض تسقون من أحببتم و تمنعون من كرهتم و أنتم الآمنون يوم الفرع الأ-كبر فى ظلّ العرش، يفرح الناس و لا- تفرعون و يحزن الناس و لا- تحزنون، فيكم نزلت هذه الآية «إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَلِدُونَ لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرَعُ الْأَكْبَرُ وَتَلَقَّيَاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ»(٢٠).

يا على أنت و شيعتك تطلبون فى الموقف و أنتم فى الجنان تنتعمون.

يا على انّ الملائكة و الخزّان يشتاقون اليكم و انّ حمله العرش و الملائكة المقرّبون ليخصّونكم بالدعاء و يسألون الله بمحبّتكم و يفرحون لمن قدم عليهم منهم كما يفرح الأهل بالغائب القادم بعد طول الغيبه.

يا على شيعتك الذين يخافون الله فى السرّ و ينصحونه فى العلانيه.

يا على شيعتك الذين يتنافسون فى الدرجات، لأنّهم يلقون الله و ما عليهم من ذنب.

يا على انّ أعمال شيعتك تعرض على كلّ يوم جمعه، فأفرح بصالح ما يبلغنى من أعمالهم و أستغفر لسيناتهم.

يا على ذكرك فى التوراه و ذكر شيعتك قبل أن يخلقوا بكلّ خير و كذلك فى الانجيل [فاسأل أهل الانجيل و أهل الكتاب

يخبروك عن «اليا» مع علمك بالتوراه والانجيل و ما أعطاك الله عزوجل من علم الكتاب و ان أهل الأنجيل ليتعاضمون إليا و ما يعرفون شيعته و أنما يعرفونهم بما يجدونه فى كتبهم.

يا على ان أصحابك ذكرهم فى السماء أعظم من ذكر أهل الأرض لهم بالخير فليفرحوا بذلك و ليزدادوا اجتهاداً.

يا على أرواح شيعتك تصعد الى السماء فى رقاهم، فتنظر الملائكة اليها كما ينظر الناس الى الهلال شوقاً اليهم و لما يرون من منزلتهم عندالله عزوجل.

يا على قل لأصحابك العارفين بك يتزهون عن الأعمال التى تعرفها عدوهم فما من يوم و لا ليله إلا و رحمه الله تغشاهم، فليجتنبوا الدنس.

يا على اشتد غضب الله على من قلاهم و برئ منك و منهم و استبدل بك و بهم و مال الى عدوك و تركك و شيعتك و اختار الضلال و نصب الحرب لك و لشيعتك و أبضغنا أهل البيت و أبغض من والاك و نصرك و اختارك و بذل مهجته و ماله فينا.

يا على اقرئهم منى السلام من لم أر و لم يرني و اعلمهم أنهم اخوانى الذين أشتاق اليهم فليلقوا علمى الى من يبلغ القرون من بعدى و ليتمسكوا بحبل الله و ليعتصموا به و ليجتهدوا فى العمل، فأننا لا نخرجهم من هدى الى ضلاله.

و أخبرهم أن الله عنهم راض و أنه يباهى بهم ملائكته و ينظر اليهم فى كل جمعه برحمته و يامر الملائكة أن يستغفروا لهم.

يا على لا ترغب عن نصره قوم يبلغهم أو يسمعون أنى احبك فأحبوك لحبى اياك و دانوا الله عزوجل بذلك و أعطوك صفو الموده من قلوبهم و اختاروك على الآباء و الاخوه و الأولاد و سلخوا طريقك

و قد حملوا على المكاره فينا فأبوا إلا نصرنا و بذلوا المهج فينا مع الأذى و سوء القول و ما يقاسونه من مضاضه ذلك فكن بهم رحيماً و اقنع بهم، فإن الله اختارهم بعلمه لنا من بين الخلق و خلقهم من طينتنا و استودهم سرّنا و ألزم قلوبهم معرفه حقنا و شرح صدورهم و جعلهم متمسكين بحبلنا، لا يوثرون علينا من خالفنا مع ما يزول من الدنيا عنهم و ميل الشيطان بالمكاره عليهم أيدهم الله و سلك بهم طريق الهدى فاعتصموا به و الناس في غمره الضلاله متحIRON في الأهواء، عموا عن الحجة و ما جاء من عند الله، فهم يمسون و يصبحون في سخط الله و شيعتك على منهاج الحق والاستقامه لا يستأنسون الى من خالفهم ليست الدنيا منهم و ليسوا منها.

«اولئك مصابيح الدجى، اولئك مصابيح الدجى، اولئك مصابيح الدجى». (۲۱)

رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود:

ای علی! خداوند دوستی بیچارگان و مستضعفین را به تو بخشید و تو به برادری با آنها راضی شدی و آنان نیز به اینکه تو رهبر آنان باشی، راضی شدند. خوشا به حال کسی است که تو را دوست داشته باشد و تصدیق نماید و بیچاره کسی که دشمن تو باشد و تو را تکذیب نماید.

ای علی! تو دانشمند این امت هستی هر کس تو را دوست داشته باشد، رستگار می شود و هر کس که دشمن تو باشد، هلاک می گردد.

ای علی! من شهر هستم و تو درب آن می باشی و آیا جز از درب، می توان وارد شهر شد؟

ای علی! محبین تو به درگاه خداوند، بسیار توبه کننده اند و بر آن مواظبت می کنند و صاحب لباس کهنه اند که اگر خدا را برای

چیزی سوگند دهند، قبول می شود.

ای علی! برادران تو از گناه پاک هستند و گرسنه و پرتلاش می باشند، دوستی شان برای تو و دشمنی آنها در راه تو می باشد. نزد مردم کوچکنند و نزد خدا دارای مرتبه ای بلند می باشند.

ای علی! دوستان تو در فردوس، همسایگان خدایند و به خاطر از دست دادن متاع دنیا، غمگین نمی شوند.

ای علی! من دوست کسی هستم که با تو دوست است و دشمن کسی هستم که با تو دشمن است.

ای علی! هرکس تو را دوست داشته، مرا دوست داشته و هرکس با تو دشمن باشد، با من دشمن است.

ای علی! برادران تو کسانی هستند که از زیادی ریاضت و روزه داری لب هایشان چروک خورده و ترک دنیا در چهره آنان دیده می شود.

ای علی! برادران تو در سه جا شاد و خوشحال می شوند: (۱) هنگام جان دادن در حالی که من و تو ناظر آنان می باشیم. (۲) موقع سوال و جواب قبر و عرضه اعمال (۳) هنگام گذشتن از پل صراط؛ همان زمانی که از ایمان مردم سؤال می کنند و پاسخی نمی دهند.

ای علی! جنگ با تو، جنگ با من و صلح با تو، صلح با من است و جنگ با من جنگ با خدا می باشد. کسی که با تو در حال صلح است، با خدا صلح کرده است.

ای علی! به برادران مژده و بشارت بده که پروردگار از آنان خشنود است، چون رهبری تو را برای آنها پسندید و آنها نیز به رهبری و دوستی تو رضایت داده اند.

ای علی! تو امیرمؤمنان و پیشوای و سفیران هستی!

ای علی! شیعه تو نجیب است. و اگر تو و شیعیان نبودید، دین خدا بر پا نمی شد و از آسمان قطره ای بر

زمین فرو نمی ریخت.

ای علی! در بهشت برای تو گنجی است و تو ذوالقرنین این اّمت هستی. پیروان تو حزب الله هستند.

ای علی! تو و شیعیانت قیام کنندگان برای عدالت و برگزیده الهی می باشید.

ای علی! من و تو اولین افرادی هستیم که از خاک بر می خیزیم و بعد از ما، سایر مردم از قبرها خارج خواهند شد.

ای علی! تو و شیعیانت دوستان خود را از حوض کوثر، سیراب می کنید و دشمنان خویش را منع می نمایید. در روز قیامت در سایه عرش خداوند در امانید، در حالی که تمام مردم در ناله، ترس و ناراحتی اند و شما از ناراحتی دور هستید.

این آیه در مورد شما نازل شده است:

«إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ، لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ، لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ».

«کسانی که به توفیق ما، در نیکی ها سبقت گرفتند و از آن (دوزخ) دور هستند و صدای آن را نمی شنوند و از آنچه دلشان بخواهد، جاودانه متنعم هستند. وحشت روز قیامت اندوهگین شان نسازد و فرشتگان به استقبال شان می آیند و بشارت دهند که این همان روزی است که به شما وعده داده شده بود.»

ای علی! در توقفگاه های قیامت به دنبال تو و شیعیانت هستند و حال آنکه شما در بهشت به نعمت های پروردگار خویش مشغولید.

ای علی! ملائکه و کلید داران بهشت مشتاق شما هستند و حاملان عرش و ملائکه مقرب الهی دعایشان را به شما اختصاص می دهند و از خداوند محبت شما را می خواهند و همچون خانواده ای که از آمدن عضوی از آنها که در غیبت و سفر طولانی بود، خوشحال

می شوند، فرشتگان نیز از ورود شیعیان مسرور می گردند.

ای علی! شیعیان در خفا از خدا می ترسند و در آشکارا بنده مطیع خدایند و مردم را به فرمانبری از حق، نصیحت می کنند.

ای علی! شیعیان برای کسب درجات عالی از یکدیگر سبقت می گیرند، تا خدا را در روز قیامت، بدون گناه دیدار کنند.

ای علی! در هر جمعه، اعمال شیعیان را به من نشان می دهند، بر اعمال نیک آنان، خوشحال می شوم و برای گناهانشان طلب آمرزش و مغفرت می کنم.

ای علی! در تورات، تو و شیعیان به نیکی یاد شده اید، پیش از آنکه شیعیان آفریده شده باشند و در انجیل هم تو را بزرگ می شمارند، در حالی که شیعیان را به اندازه ای که در کتاب هایشان نوشته شده، می شناسند.

ای علی! شیعیان را در آسمان، نیکوتر از زمین یاد می کنند. پس باید بر این نعمت خوشحالی کنند و به خاطر آن، هر لحظه تلاش خود را در بندگی پروردگار زیادتر نمایند.

ای علی! ارواح شیعیان در خواب، به سوی آسمان بالا می روند و فرشتگان مانند کسی که هلال را می بیند، با شوق آنان را می بینند، به خاطر مقام و منزلتی که نزد خدا دارند.

ای علی! به یاران عارف خود بگو، از اعمال مخلوط به گناه که از دشمنان گرفته اند، دوری کنند و هر روز و شب رحمتی نو از طرف خداوند آنان را در بر می گیرد، پس تا می توانند از گناهان دوری کنند.

ای علی! خداوند خشم شدیدی گرفت، بر کسانی که در برابر تو و شیعیان دشمنی کردند و از تو و آنان دوری جستند و کسانی که به جای تو و شیعیان افراد دیگر را برگزیده اند و به سوی دشمن تو روی

آورده اند و تو و شیعیان را ترک نموده و گمراهی را اختیار کرده اند و با تو و شیعیان جنگ نموده اند. و نسبت به اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و دوستان و کسانی که تو را یاری کرده و خون و جان و مال خود را در راه ما ریختند و ما را بر دیگران برگزیدند، دشمنی داشتند.

ای علی! سلام مرا به آن دسته از پیروانی که من آنها را ندیده ام و آنان هم مرا دیدار نکرده اند، برسان و بشارت ده که آنها، برادران من هستند و برای دیدار آنان مشتاق هستم. پس باید علم مرا به قرون بعد نیز برسانند و به ریسمان الهی چنگ بزنند و همراه آن باشند و در عمل کوشا باشند و بدانند که ما، آنها را از هدایت به گمراهی نمی کشانیم و به آنها خبر بده که پروردگارشان از آنها راضی است و به وجودشان بر فرشتگان خویش افتخار می کند و در هر جمعه به وسیله رحمت مخصوص خویش آنها را سرافراز می نماید و به ملائکه امر می نماید که برای آنها آمرزش بخواهند.

ای علی! از یاری رساندن به کسانی که شنیده اند من تو را دوست دارم و تو را به خاطر من دوست دارند و به این وسیله به خدا نزدیکی می جویند، دست مکش، آنها کسانی هستند که بهترین محبت های خالصانه را به تو تسلیم کرده اند و تو را بر پدران و فرزندان خود برتری داده و راه تو را انتخاب نموده اند و همه ناراحتی ها و گفتارهای تلخ نیش دار و درد ناکی که در راه دوستی با ما تحمّل می کنند، را بر خود هموار کرده اند. پس برای آنها

دلسوز باش و فقط با آنها دوستی کن؛ چون خداوند متعال به وسیله دانایی اش، آنها را از سایر مردم برای ما انتخاب کرده و آنان را از طینت ما آفریده و سرّ ربوبیت، عبودیت، ولایت و محبت را در دل ایشان جای داده و قلوب آنها را همراه معرفت حقّ ما کرده و دل هایشان را فراخ و گسترش داده و شرح صدر به آنان عطا فرموده و از چنگ زندگان به ریسمان ولایت ما قرارشان داده است. آنها مخالف ما را بر ما بر نمی گزینند، حتی اگر دنیای آنها در معرض خطر قرار گیرد و حاکم بر عذاب کردنشان مداومت ورزد. خداوند دست های آنان را در دست هم می گذارد و بین آنها الفت بر قرار می کند. راه هدایت را در پیش پای آنها می گذارد تا خود را از گمراهی حفظ کنند، در حالی که سایر مردم در گمراهی و خواهش نفسانی گبیج مانده و راه چپ و راست خود را نمی شناسند و از دیدن حجّت و نشانی پروردگار و آنچه از نزد او آمده محروم اند و با خشم خداوند، صبح را شام می کنند ولی شیعیان تو در راه حقّ صحیح اند، با کسانی که در راه مخالف آنها هستند، انس نمی گیرند. دنیا از آنان نیست و آنان هم از دنیا نیستند.

آنها چراغ های رفع تاریکی هستند.

حدیث شماره هجدهم

۱۸. حدّثنا محمّد بن الحسن بن أحمد بن الولید رحمه الله، قال: حدّثنی محمّد بن الحسن الصّفّار، قال: حدّثنی عباد بن سلیمان، عن محمّد بن سلیمان، عن أبيه سلیمان الديلمي، قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام اذ دخل عليه أبو بصير و قد حضره النفس، فلمّا أن أخذ مجلسه قال له أبو

عبدالله عليه السلام:

يا أبا محمّد ما هذا النفس العالى؟ قال: جعلت فداك يا بن رسول الله كبر سنّى و دقّ عظمى و اقترب أجلى مع ما أتى لا أدرى على ما أرد عليه فى آخرتى؟

فقال له أبو عبدالله عليه السلام: يا أبا محمّد و أنّك لتقول هذا!

قال: قلت: جعلت فداك فكيف لا أقول؟

قال: يا أبا محمّد أما علمت أنّ الله تبارك و تعالى يكرم الشباب منكم و يستحى من الكهول؟

قال الله يكرم الشباب منكم ان يعذبهم و من الكهول ان يحاسبهم.

قال: قلت: جعلت فداك هذا لنا خاصّ أم لأهل التوحيد؟

قال: فقال: لا و الله إلا لكم خاصّه دون العامّه.

(و فى الخبر) أنّ الله تعالى يقول: شيب المؤمنين نورى و أنا أستحى أن احرق نورى بنارى و قد قيل: الشيب حليه العقل و سمه الوقار.

قال: قلت: جعلت فداك فأنّا قدرنا بشىء انكسرت له ظهورنا و ماتت له أفئدتنا و استحلت به الولاه دماءنا فى حديث رواه لهم فقهاؤهم.

قال: فقال أبو عبدالله عليه السلام: الراضه؟ قال: قلت: نعم.

قال: لا و الله ما هم سمّوكم به، بل أنّ الله سمّاكم به، أما علمت يا أبا محمّد أنّ سبعين رجلا من بنى اسرائيل رفضوا فرعون [و قومه اذ استبان لهم ضلالهم فلحقوا بموسى عليه السلام لَمّا استبان لهم هداه، فسَمّوا فى عسكر موسى الراضه، لأنّهم رفضوا فرعون و كانوا أشدّ [أهل ذلك العسكر عباده و أشدّهم حبّاً لموسى و هارون و ذريتهما.

فأوحى الله عزّو جلّ الى موسى أن أثبت لهم هذا الاسم فى التوراه فانى قد سمّيتهم به و نحلّتهم اياه، فأثبت موسى عليه السلام الاسم لهم، ثم ادّخر الله عزّو جلّ لكم هذا الاسم حتى نحلّكموه.

يا أبا محمّد رفضوا الخير و رفضتم الشرّ

بالخير.

تفرّق الناس كلّ فرقه و تشعبوا كل شعبه، فانشعبتم مع أهل بيت نبيكم محمد صلى الله عليه وآله فذهبتم حيث ذهب الله و اخترتم من اختار الله و أردتم من أراد الله.

فابشروا ثم ابشروا فأنتم و الله المرحومون المتقبل من محسنكم و المتجاوز عن مسيئكم، من لم يأت الله عزّو جلّ بما أنتم عليه [يوم القيامة] لم يتقبل منه حسنه و لم يتجاوز عنه سيئه.

يا أبا محمد [فهل سررتك؟ قال: قلت: جعلت فداك زدني.

قال: فقال: يا أبا محمد [إنّ لله عزّو جلّ ملائكه تسقط الذنوب عن ظهور شيعتنا كما تسقط الريح الورق عن الشجر في أوان سقوطه و ذلك قول الله عزّو جلّ: «وَالْمَلَائِكَةُ يَسْبُحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِي الْأَرْضِ» (٢٢).

فاستغفارهم و الله لكم دون هذا الخلق، يا أبا محمد فهل سررتك؟

قال: قلت: جعلت فداك زدني.

قال: يا أبا محمد ما استثنى الله أحداً من أوصياء الأنبياء و لا أتباعهم ما خلا أمير المؤمنين عليه السلام و شيعته فقال في كتابه و قوله الحقّ: «يَوْمَ لَا يَغْنَى مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئاً وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» (٢٣)

يعنى بذلك علياً و شيعته، يا أبا محمد فهل سررتك؟

قال: قلت: جعلت فداك زدني.

قال: لقد ذكركم الله في كتابه اذ يقول: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (٢٤) و الله ما أراد بهذا غيركم.

يا أبا محمد فهل سررتك؟ قال: قلت: جعلت فداك زدني.

قال: يا أبا محمد لقد ذكركم الله في كتابه فقال: «إِنَّ عِبَادِيَ لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ» (٢٥) و الله ما أراد بهذا إلا الأئمة عليهم السلام و شيعتهم.

يا أبا محمد فهل سررتك؟ قال: قلت:

جعلت فداك زدنی. قال:

[یا ابا محمّد لقد] ذکرکم اللّٰه فی کتابه فقال: «فَأَوْلَيْتَكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (۲۶) و رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیہ وآلہ فی هذه الآیہ من النَّبِيِّينَ وَنَحْنُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ وَ أَنْتُمْ الصَّالِحُونَ، فَتَسَمُّوا بِالصَّلَاحِ كَمَا سَمَّاهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ.

یا ابا محمّد، فهل سررتک؟ قال: قلت: جعلت فداك زدنی. قال: یا ابا محمّد لقد ذکرکم اللّٰه اذ حکى عن عدوكم و هو فی النار اذ یقول: «وَقَالُوا مَا لَنَا لَنْ نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِّنَ الْأَشْرَارِ أَتَّخَذْنَا هُمْ سِحْرًا يَا أُمَّ زَاعَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ» (۲۷)

ما عنی و لا أراد بهذا غیرکم، اذ صرتم فی هذا العالم شرار الناس فأنتم و اللّٰه فی الجنّہ تحبرون و أنتم فی النار تطلبون.

یا ابا محمّد، فهل سررتک؟ قال: قلت: جعلت فداك زدنی. قال: یا ابا محمّد ما من آیه نزلت تقود الی الجنّہ و تذاکر أهلها بخیر الّا و هی فینا و فی شیعتنا و ما من آیه نزلت تذاکر أهلها بسوء و تسوق الی النار، الّا و هی فی عدوّنا و من خالفنا.

[فهل سررتک یا ابا محمّد؟] قال: قلت: جعلت فداك زدنی.

فقال: یا ابا محمّد لیس علی ملّہ ابراهیم صلی اللّٰه علیہ وآلہ الّا- نحن و شیعتنا و سائر الناس من ذلك براء، یا ابا محمّد فهل سررتک؟ (۲۸)

سلیمان دیلمی گفت: نزد امام صادق علیه السلام بودیم که ابوبصیر نفس زنان وارد شد و هنگامی که نشست، امام صادق علیه السلام به او فرمود:

این چه حالی است که داری؟

عرض کرد: ای پسر پیامبر! سنّ من زیاد شده و مغز استخوانم آب شده و مرگم نزدیک گشته، در حالی که نمی دانم

در آخرت چه اوضاعی خواهم داشت.

فرمود: ای ابا محمّد! تو هم چنین می گویی؟

عرض کرد: فدایت شوم، چرا نگوییم!

فرمود: ای ابا محمّد! آیا نمی دانی خداوند متعال جوانان شما را گرامی داشته از اینکه عذاب کند و به پیران شما لطف نموده که از آنها حسابرسی نماید.

عرض کرد: فدایت شوم! آیا این تفضّل مخصوص ماست، یا برای تمام اهل توحید نیز می باشد؟

فرمود: نه، این فقط برای شما است، نه برای دیگران. خداوند متعال می فرماید: سفیدی مو در مؤمنین، نور من است و من شرم دارم از اینکه نورم را به وسیله آتشم بسوزانم؛ و گفته اند سفیدی مو، زینت عقل و نشانه وقار است.

عرض کرد: فدایت شوم؛ به خاطر حدیثی که فقها برایشان روایت کرده اند، ما مورد حمله قرار گرفته ایم، که پشتمان را شکسته و باعث دل مردگی ما شده است و حاکمان، خون ما را حلال دانسته اند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: رافضه؟

عرض کرد: بلی.

فرمود: به خدا قسم! آنها، این نام را بر روی شما نگذاشته اند، بلکه پروردگار شما را به این نام نامیده است. مگر نمی دانی که گمراهی فرعون برای هفتاد مرد از بنی اسرائیل آشکار شد و او را رها کردند و به حضرت موسی علیه السلام پیوستند، موقعی که هدایت او بر آنان آشکار شد، در لشکر موسی علیه السلام به رافضه مشهور شدند، چون فرعون را رها کردند و این عده در بندگی خدا و محبت به موسی علیه السلام و هارون و فرزندانش مصرّترین مردم بودند. خداوند برای موسی وحی فرستاد که این اسم را در تورات برای آنها ثبت کن که من، این نام را برای آنها قرار دادم. پس موسی علیه السلام این اسم را برای آنها ثبت

کرد، سپس خداوند بزرگ این اسم را ذخیره کرد تا به شما عنایت فرماید.

ای ابا محمّد! آنها ترک خیر کردند و شما به خاطر خیر، ترک شر نمودید. در حالی که مردم متفرّق شدند، شما به اهل بیت پیامبران پیوستید و در راهی که به خدا منتهی می شود، گام برداشتید و کسی را که خداوند انتخاب کرده، انتخاب کردید. و آنچه را که خدا اراده کرده اراده کردید پس بشارت باد شما را که مورد رحمت و عنایت پروردگارید. اعمال نیکوی شما قبول می شود و اعمال بد شما آمرزیده می گردد. هر کس از راهی که شما به سوی خدا می روید، نرود، اعمال نیکش پذیرفته نمی گردد و گناهانش بخشیده نمی شود.

ای ابا محمّد! خداوند ملائکه ای دارد که گناهان شیعیان را می ریزند، همان طور که باد، برگ درختان را می ریزد و این مصداق فرمایش خداوند در قرآن مجید است که می فرماید:

«وَالْمَلَائِكَةُ سَائِبُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يَسْتَتْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ» (۲۹)، «و فرشتگان پروردگارشان را تسبیح می کنند و برای کسانی که در زمین هستند، آمرزش می خواهند.»

استغفار آنان فقط برای شما است، نه برای دیگر مردمان.

ای ابا محمّد! آیا خوشحال شدی؟

عرض کرد: فدایت شوم! زیادتر بفرما.

فرمود: ای ابا محمّد! خداوند هیچ یک از جانشینان پیامبران را استثنا قرار نداده، مگر امیرالمؤمنین علیه السلام و شیعیان او را و در قرآن فرموده:

«يَوْمَ لَا يَغْنَى مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَ لَا هُمْ يَنْصِرُونَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ» (۳۰)، «روزی که هیچ دوستی، کمترین کمکی به دوستش نمی کند و از هیچ سویاری نمی شوند مگر کسی که خدا او را مورد مرحمت قرار داده.»

مقصود این آیه، علی علیه السلام و شیعیانش هستند.

ای ابا محمّد! آیا خوشحال

شدی؟

عرض کرد: فدایت شوم! زیادتر بفرما.

فرمود: خداوند شما را در این آیه شریفه یاد کرده:

«يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَمَا تَغْتَابُوا مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَرْحَمِ اللَّهُ لَأَنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (۳۱)؛ «ای بندگانی که بر نفس های خود ظلم کرده اید، از رحمت خدا نا امید نشوید. خداوند گناهان همه را می بخشد، او خدای آمرزنده بخشایشگر است.»

ای ابا محمد! خوشحال شدی؟

عرض کرد: فدایت شوم! زیادتر بفرما.

فرمود: خداوند در قرآن شما را این گونه یاد نموده:

«إِنَّ عِبَادِيَ لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ» (۳۲)؛ «تو (شیطان) هرگز سُلطه ای بر بندگان من نخواهی یافت.»

به خدا قسم که جزائمه علیهم السلام و پیروانشان کسی دیگر منظور نیست.

ای ابا محمد! آیا خوشحال شدی؟

عرض کرد فدایت شوم! زیادتر بفرما.

فرمود: خداوند در قرآن، شما را یاد کرد و فرمود:

«فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا» (۳۳)؛ «آنها همنشین کسانی خواهند بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده، از پیامبران، صدیقان، شهدا و صالحان و آنان رفیقان خوبی هستند.»

در این آیه رسول خداصلی الله علیه وآله از انبیا است و ما از صدیقین و شهدا هستیم و شما از صالحین هستید و به صلاح و نیکی نام گذاری می شوید، همان طور که خداوند شما را نامیده است.

ای ابا محمد! آیا مسرور شدی؟

عرض کرد: فدایت شوم! زیادتر بفرما.

فرمود: هنگامی که خداوند از دشمن شما حکایت می کند که در آتش است، شما را یاد کرده است:

«وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رَجَالًا كُنَّا نَعِدُهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ، أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ» (۳۴)؛ «چه شده مردانی را که از
اشارشان می شمردیم و آنها را به مسخره می گرفتیم،

نمی بینیم (در دوزخ نیستند) یا چشمان ما بر آنها نمی افتد.»

منظور در این آیه کسی غیر از شما نیست؛ چون در این دنیا در نظر مردم بدترین مردمان بودید، در حالی که در بهشت غرق در نعمت های خداوند هستید و شما را در دوزخ جستجو می کنند.

ای ابا محمّد! آیا خوشحال شدی؟

عرض کرد: فدایت شوم! زیادتر بفرما.

ای ابا محمّد! آیه ای پیرامون بهشت و اهل آن نازل نشده، مگر آنکه درباره ما و پیروان ما است و آیه ای پیرامون جهنم نازل نشده، مگر اینکه درباره دشمن ما و کسی که مخالف ما است، نازل شده است.

عرض کرد: فدایت شوم! زیادتر بفرما.

سپس فرمود: ای ابا محمّد! بر دین و مذهب حنیف ابراهیم علیه السلام جز ما و شیعیان ما کسی نیست و سایر مردم از این راه بدورند.

ای ابا محمّد! آیا خوشحال شدی؟

عرض کرد: کافی است.

حدیث شماره نوزدهم

۱۹. اَبی رَحْمَه الله، قال: حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي عَبَادُ بْنُ سَلِيمَانَ [عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ» (۳۵).

قال: فقال: من أكرمه الله بولايتنا فقد جاز العقبه و نحن تلك العقبه، من اقتحمها نجا. قال: فسكت، ثم قال: هلّا أفيدك حرفاً خيراً فيها من الدنيا و ما فيها؟

قال: قلت: بلى، جعلت فداك.

قال: قوله تعالى: «فَكُ رَقَبَةٌ» (۳۶) الناس كلهم عبيد النار غيرك و أصحابك فانّ الله عزّوجلّ فكّ رقابكم من النار بولايتنا أهل البيت (۳۷).

ابان بن تغلب گفت: به امام صادق علیه السلام عرض شد: فدایت شوم معنی این آیه «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ» (۳۸)؛ «به عقبه تکلیف تن در نداد» چیست؟

فرمود: کسی که خداوند ولایت ما را به او کرامت فرماید،

از عقبه می گذرد و ما آن عقبه هستیم که هر کس از آن بگذرد، نجات می یابد. پس مکثی کرد و سپس فرمود: آیا سخنی به تو بگویم که خیری در آن باشد و از دنیا و هر چه در آن هست، بهتر باشد؟

عرض کرد: بله، فدایت شوم.

فرمود: فرموده خداوند تعالی «فَكُ رَقَبَهُ» (۳۹)، «آزاد کردن بندگان» تمام مردم اسیر آتش اند، غیر از تو و یارانت که خداوند جلّ جلاله گردن های شما را از زنجیرهای آتشین دوزخ به خاطر دوستی ما اهل بیت عصمت، نجات داده است.

حدیث شماره بیستم

۲۰. و بهذا الاسناد عن سليمان الديلمي، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال امير المؤمنين عليه السلام: أنا الراعي، راعي الأنام، أفتري الراعي لا يعرف غنمه؟

قال: فقام اليه جويريه و قال: يا أميرالمؤمنين فمن غنمك؟

قال: صفر الوجوه، ذبل الشفاه من ذكر الله. (۴۰)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

من چوپان مردم هستم. آیا فکر می کنی چوپان گله خود را نمی شناسد؟

جویریه عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! گله تو چه کسانی هستند؟

فرمود: کسانی که از بسیار یاد کردن خداوند، چهره هایی زرد و لب هایی خشکیده دارند.

حدیث شماره بیست و یکم

۲۱. و بهذا الاسناد عن سليمان، عن عثمان بن أسلم عن معاوية الدهني، قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: جعلت فداك هذا الحديث الذي سمعته منك ما تفسيره؟

قال: و ما هو؟ قلت: «انّ المؤمن ينظر بنور الله».

فقال: يا معاوية انّ الله خلق المؤمنين من نوره و صنعهم من رحمته و اتّخذ ميثاقهم لنا في الولاية على معرفته، يوم عرفهم نفسه، فالمؤمن أخوالمؤمن لأبيه و أمّه أبوه النور و أمّه الرحمه، أنّما ينظر بذلك النور الذي خلق منه. (۴۱)

معاویه دُهنی گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

فدایت شوم! تفسیر این حدیثی که از شما شنیدم، چیست؟

فرمود: آن حدیث کدام است؟

عرض کردم: مومن به نور خدا، نگاه می کند.

فرمود: ای معاویه! خداوند مؤمنین را از نور خودش آفرید و از رحمت خود، آنان را ساخت و از آنها برای ولایت ما عهد و پیمان گرفت بر پایه شناسایی خودش، روزی که خود را به آنها شناسانید، مومن برادر مومن از یک پدر و مادر است، پدرش نور و مادرش رحمت است. مومن به این نوری که از آن آفریده شده، نگاه می کند.

حدیث شماره بیست و دوم

۲۲. و بهذا الاسناد عن سليمان، عن داود بن كثير الرقي، قال: دخلت على أبي عبد الله عليه السلام فقلت له: جعلت فداك، قوله تعالى: «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ» (۴۲) فما هذا الهدى بعد التوبة و الايمان و العمل الصالح؟ قال: فقال: معرفه الأئمه و الله امام [بعد امام (۴۳)].

داوود بن كثير رقی گفت: نزد امام صادق علیه السلام رفتم و عرض کردم:

فدايت شوم! خداوند متعال فرموده است:

«وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ؛ «و من کسی را که توبه کند و

ایمان آورد و اعمال شایسته به جا آورد و سپس هدایت یابد را می آموزم.»

معنی این هدایت آخرین، بعد از توبه و ایمان و عمل صالح چیست؟

فرمود: قسم به خدا معرفت ائمه است، امامی پس از امام دیگر.

حدیث شماره بیست و سوم

۲۳. اَبی رحمہ اللہ، قال: حدَّثنی سعد بن عبد اللہ، عن عباد بن سلیمان، عن سدید الصیرفی، عن اَبی عبد اللہ علیہ السلام قال: دخلت علیہ و عنده اَبوبصیر و میسرہ و عدہ من جلسائہ، فلَمَّا اَن اَخذت مجلسی اَقبل علی بوجہہ و قال:

یا سدید، اَمَّا اَنْ و لینا لیعبد اللہ قائماً و قاعداً و نائماً و حیاً و میتاً. قال: قلت: جعلت فداک اَمَّا عبادتہ قائماً و قاعداً و حیاً فقد عرفنا فکیف یعبد اللہ نائماً و میتاً؟

قال: اَنْ و لینا لیضع رأسه فیرقد، فاذا کان وقت الصلاه و کُل به ملکین خلقا فی الأرض لم یصعدا الی السماء و لم یریا ملکوتها فیصلیان عنده حتّی ینتبه فیکتب اللّٰه ثواب صلاتهما له و الركعه من صلاتهما تعدل اَلف صلاه من صلاه اَلادمیین.

و اَنْ و لینا لیقبضه اللّٰه الیه، فیصعد ملکاه الی السماء فیقولان:

یا ربّنا عبدک (فلان بن فلان) انقطع و استوفی أجله و لأنّک أعلم ممّا بذلک فائذن لنا نعبدک فی آفاق سمائك و اطراف ارضک.

قال: فیوحی اللّٰه الیهما: اَنْ فی سمائی لمن یعبدنی و مالی فی عبادتہ من حاجه بل هو اَحوج الیها و اَنْ فی ارضی لمن یعبدنی حقّ عبادتی و ما خلقت خلقاً اَحوج الی منه، [فاهبطا الی قبر ولیی . فیقولان: یا ربّنا من هذا یسعد بحبک ایاہ؟

قال: فیوحی اللّٰه الیهما: ذلک من اَخذ میثاقه بمحمّد عبدی و وصیه و ذریتهما بالولایه، اهطبا الی قبر ولیی (فلان بن فلان)، فصلیا عنده الی اَنْ

أبعثه في القيامة.

قال: فيهبط الملكان، فيصليان عند القبر الى أن يبعثه الله فيكتب ثواب صلاتهما له و الركعه من صلاتهما تعدل ألف صلاة من صلاة الآدميين.

قال سدیر: جعلت فداك يا بن رسول الله فأذن وليکم نائماً و ميتاً أعبد منه حياً و قائماً؟ قال: فقال:

هيهات يا سدیر انّ ولینا لیؤمن علی الله عزّوجلّ یوم القیامه فیجیز أمانه. (۴۴)

سُدیر صیرفی گفت: نزد امام صادق علیه السلام رفتم، در حالی که ابوبصیر و میسره و عدّه ای از یارانش نزد او بودند، هنگامی که نشستیم، رو به من کرد و فرمود:

ای سدیر! دوست ما در حال ایستاده، نشسته، خوابیده، بیداری، زنده بودن و مرگش، خدا را پرستش می کند.

عرض کردم: فدای تو شوم! بندگی در حال ایستاده، نشسته و زنده بودن را شناختم ولی پروردگار در خواب و مرگ چگونه عبادت می شود؟

فرمود: هنگامی که دوست ما سر خود را بر زمین می گذارد و می خوابد، در هنگام نمازش دو فرشته که در زمین خلق شده اند و به آسمان نرفته اند و ملکوت آسمان ها را ندیده اند، موکل می شوند که در نزد او نماز بخوانند، تا زمانی که بیدار شود خداوند متعال ثواب نماز این دو فرشته را برای او می نویسد، در حالی که یک رکعت نماز آن دو، برابر هزار نمازی است که آدمیان به جای می آورند.

دوستی از دوستان ما را قبض روح می کنند، آن دو فرشته به آسمان بالا می روند و به خداوند می گویند خدایا! بنده تو، فلانی، مرده است و تو خود این خبر را بهتر می دانی. به ما اجازه بده که تو را در آسمان و زمین نیایش کنیم.

وحی می آید که: چه کسی می تواند در آسمانم، مرا آن طور که شایسته است، عبادت

کند، در حالی که من به نیایش او نیازی ندارم، بلکه اوست که نیازمند آن است. و چه کسی در زمین است که مرا به شایستگی بندگی نماید، در حالی که آفریده ای از او نیازمندتر به خود، نیافریده ام.

فرشتگان عرض می کنند: پس چه کسی به وسیله محبت تو خوشبخت می شود؟

وحی می رسد: کسی که از او اقرار و پیمان به نبوت بنده من محمدصلی الله علیه و آله و ولایت و دوستی جانشین او و فرزندان پاکش گرفته شده است. به قبر دوست من، فلانی بروید و تا زمانی که از خاک برانگیخته شود، نزد او بمانید و نماز بخوانید.

سپس امام علیه السلام فرمود: آن دو فرشته پایین آمده و نزد قبر او می روند و به نیایش پروردگار مشغول می شوند، تا روز قیامت فرا رسد و مزد نمازهای آن دو را برای او می نویسند، که هر رکعت نمازشان برابر هزار نماز آدمیان است.

سدیر عرض کرد: فدای تو شوم! بنابراین دوست شما که خواب و مرده است، از دوستی که بیدار و زنده است، عابدتر می باشد.

فرمود: هیئات، ای سدیر! دوست ما در روز قیامت برای دیگران امان از آتش دوزخ می طلبد و به او اجازه شفاعت و امان داده می شود.

حدیث شماره بیست و چهارم

۲۴. و بهذا الاسناد، عن سدیر، قال: قلت لأبی عبد الله علیه السلام: جعلت فداک یا بن رسول الله هل یکره المومن علی قبض روحه؟ قال: لا [والله انه اذا أتاه ملك الموت ليقبض روحه جزع عند ذلك، فيقول له ملك الموت: يا ولي الله لا تجزع فوالذي بعث محمدأصلى الله عليه وآله بالحق لأنا أبر بك و أشفق عليك من الوالد الرحيم لولده حين يحضره، افتح عينيك و انظر. قال:

و یمثل له رسول الله صلى الله عليه وآله و أميرالمومنين و فاطمه و الحسن و الحسين و الأئمةعليهم السلام [فيقول له:] هم رفقاوك.

قال: فيفتح عينيه و ينظر و تنادى روحه من قبل العرش: «يا أيتها النفس المطمئنة ارجعي الى محمّد و أهل بيته الى ربك راضيه بالولاية، مرضيه بالثواب فادخلي في عبادي - يعني محمّداً و أهل بيته - و ادخلي جنّتي».

قال: فما من شيء أحب اليه من انسلال روحه و اللّحوق بالمنادي. (۴۵)

سدیر گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! آیا مومن از قبض روحش ناراحت می شود؟

فرمود: نه؛ هنگامی که فرشته مرگ برای گرفتن جاننش می آید، او ناله می کند، فرشته مرگ به او می گوید: ای دوست خدا! ناله مکن، قسم به آن خدایی که محمّدصلى الله عليه وآله را به درستی برانگیخته، من از پدرِ دلسوز به پسرش، نسبت به تو دلسوزتر و نیکوکارترم. نگاه کن که چه می بینی؟

در برابر چشمانش پیغمبر خدا، امیرالمومنین، فاطمه، حسن، حسین و ائمه ی اطهارعليهم السلام ظاهر می شوند.

به او می گویند: اینان دوستان تو هستند. چشمان خود را باز می کند و به آنها نگاه می کند. و از عرش به روح می گویند: ای نفس مطمئن به محمّد و خاندان محمّد! به سوی پروردگارت باز گرد که تو خشنود به ولایت هستی و خداوند نیز رضایت خود را با ثواب دادن ابراز می کند، پس در میان بندگانم - یعنی محمّد و خاندانش - و در بهشت داخل شو. در چنین حالی هیچ چیزی نزد او محبوب تر از این نیست که جاننش از بدنش جدا شده و به ندا کننده پیوندند.

حدیث شماره بیست و پنجم

۲۵. أبی رحمه الله قال: حدّثنی سعد بن عبد الله

[باسناد یرفعه] عن معاویه ابن عمّار، عن جعفر بن محمّد، عن أبيه، عن جدّه علیهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: اذا كان يوم القيامة يوتى بأقوام على منابر من نور تتلأأ وجوههم كالقمر ليله البدر، يغبطهم الأوّلون و الآخرون.

ثمّ: سكت، ثمّ أعاد الكلام ثلاثاً.

فقال عمر بن الخطاب: بأبى أنت و أمى هم الشهداء؟ قال: هم الشهداء و ليس هم الشهداء الذين تظنون.

قال: هم الأنبياء؟ [قال: هم الأنبياء و ليس هم الأنبياء الذين تظنون

قال: هم الأوصياء؟ قال: هم الأوصياء و ليس هم الأوصياء الذين تظنون.

قال: فمن أهل السماء أو من أهل الأرض؟ قال: هم من أهل الأرض.

قال: فاخبرنى من هم؟

قال: فأوماً بيده الى على عليه السلام فقال:

هذا و شيعته، ما يبغضه من قريش الآسفاحى و لا من الأنصار الآيهودى و لا من العرب الآدعى و لا من سائر الناس الآشقى، يا عمر! كذب من زعم أنّه يحبّنى و يبغض علياً. (٤٦)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که روز قیامت فرا رسد، عدّه ای بر منبرهایی از نور می آیند که صورت آنان همانند ماه شب چهارده می درخشد و اوّلین و آخرین مردم، به آنها حسرت می ورزند. از سخن باز ایستاد و سپس این جملات را سه بار تکرار کرد.

عمر بن خطاب عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو باد، این افراد شهدا هستند؟

فرمود: شهدا هستند ولی نه آن شهدایی که شما خیال می کنید!

عرض کرد: انبیا هستند فرمود: انبیا هستند ولی نه آن انبیایی که شما خیال می کنید.

عرض کرد: جانشینان پیامبران هستند؟

فرمود: اوصیایند ولی نه آن جانشینانی که در خاطر خود می گذرانید!

عرض کرد: آسمانی یا زمینی هستند؟

فرمود: زمینی اند.

عرض کرد: اینان چه کسانی هستند؟

رسول خدا صلی الله علیه وآله با دستش به علی علیه السلام اشاره کرد

و فرمود: او و شیعیانش هستند. از قریش، جز کسی که حرام زاده باشد و از نژاد و مذاهب دیگر، جز یهودی و از عرب، جز مشکوک در نسب و از دیگر مردمان، جز بدبخت، کسی دشمن او نیست.

ای عمر! دروغ می گوید کسی که گمان می کند، مرا دوست دارد، در حالی که با علی دشمن است.

حدیث شماره بیست و ششم

۲۶. حدّثنی محمّد بن الحسن بن أحمد بن الولید رحمه الله، قال: حدّثنی محمّد ابن الحسن الصّفّار [باسناد یرفعه عن محمّد بن قیس بن عامر بن السمط، عن أبی جعفر علیه السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يأتي يوم القيامة قوم عليهم ثياب من نور، على وجوههم نور يعرفون بأثار السجود، يتخطون صفّاً بعد صفٍّ حتّى يصيروا بين يدي ربّ العالمين يغبطهم النبيون و الملائكة و الشهداء و الصالحون.

فقال له عمر بن الخطاب: من هؤلاء يا رسول الله الذين يغبطهم النبيون و الملائكة و الشهداء و الصالحون؟ قال: اولئك شيعتنا و على امامهم. (۴۷)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

در روز قیامت گروهی که لباس هایی از نور به تن دارند و چهره ای نورانی دارند وارد صحرای محشر می شوند. از جای سجودشان شناخته می شوند. صفوف را می شکافند و به جلو می آیند تا در صف اول در برابر خداوند قرار می گیرند. پیغمبران و فرشتگان و شهداء و نیکوکاران به حال آنان غبطه می خورند.

عمر بن خطاب گفت: اینها چه کسانی هستند؟

فرمود: این افراد پیروان ما می باشند؛ که علی علیه السلام پیشرو آنان است.

حدیث شماره بیست و هفتم

۲۷. حدّثنی محمّد بن الحسن بن أحمد بن الولید رحمه الله، قال: حدّثنی محمّد ابن الحسن الصّفّار [عن محمّد بن الحسين، عن عبد الله بن جبلة] عن معاوية ابن عمّار، عن أبی عبد الله عليه السلام، عن أبيه، عن جدّه عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلی: يا علی لقد مثلت الی امّتی فی الطین حتّى رأیت صغیرهم و کبیرهم ارواحا قبل أن یخلق أجسادهم و انّی مررت بک و بشیعتک فاستغفرت لکم. فقال علی: یا نبی الله زدنی فیهم. قال: نعم، یا علی تخرج أنت

و شيعتك من قبوركم و وجوهكم كالقمر ليله البدر و قد فرجت عنكم الشدائد و ذهبت عنكم الأحران، تستظلون تحت العرش، تخاف الناس و لا تخافون و تحزن الناس و لا تحزنون و توضع لكم مائدة و الناس في المحاسبه.(۴۸)

رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود:

ای علی علیه السلام! امت من در عالم طینت، در مقابل من ظاهر شدند، تا اینکه کوچک و بزرگ آنها را دیدم. آنها، ارواحی بودند، قبل از آنکه بدن هایشان آفریده شود و من به نزد تو و شیعیانت رسیدم و برایتان طلب آمرزش کردم.

علی علیه السلام عرض کرد: ای پیامبر خدا! بیشتر بفرما.

فرمود: ای علی! تو و شیعیانت، با چهره هایی همچون ماه تابان بیرون می آید و سختی ها بر شما هموار می شود و بدون هراس و ترسی در زیر سایه عرش خداوند آرام می گیرید، در حالی که مردم هراسناک هستند و شما نمی ترسید و مردم ناراحت هستند و شما ناراحتی ندارید و شما بر سر سفره خداوند هستید و مردم گرفتار حسابرسی می باشند.

حدیث شماره بیست و هشتم

۲۸. أبی رحمه الله، قال: حدّثنا [أحمد بن ادریس: قال: حدّثنا یعقوب بن یزید عن محمّد بن أبی عمیر] عن محمّد القبطی قال: سمعت أبا عبد الله علیه السلام یقول: الناس أغفلوا قول رسول الله صلی الله علیه و آله فی علی علیه السلام یوم غدیر خمّ، كما أغفلوا قوله یوم مشربه امّ ابراهیم، أتى الناس یعودونه فجاء علی علیه السلام لیدنو من رسول الله صلی الله علیه و آله فلم یجد مکاناً، فلما رأى رسول الله صلی الله علیه و آله أنهم لا یفرجون لعلی علیه السلام قال:

یا معشر الناس هؤلاء أهل بیتی تستخفون بهم و أنا حی بین ظهرانیکم!؟ أما و الله لئن غبت فانّ

اللَّهِ لَا يَغِيبُ عَنْكُمْ، إِنَّ الرُّوحَ وَالرَّاحَةَ وَالرِّضْوَانَ وَالْبَشْرَى وَالْحَبَّ وَالْمَحَبَّةَ لَمَنْ أَيْتَمَّ بَعْلَى وَتَوَلَّاهُ وَسَلَّمَ لَهُ وَ لِلأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ، حَقَّ عَلَى أَنْ ادْخَلَهُمْ فِي شَفَاعَتِي لِأَنَّهُمْ أَتْبَاعِي، فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي، مِثْلَ جَرِي فِي مَنْ أِبْرَاهِيمَ لِأَنِّي مِنْ أِبْرَاهِيمَ وَ أِبْرَاهِيمَ مِنِّي وَ دِينِي دِينُهُ وَ سُنَّتِي سُنَّتُهُ وَ فَضْلُهُ فَضْلِي وَ أَنَا أَفْضَلُ مِنْهُ وَ فَضْلِي لَهُ فَضْلٌ تَصْدِيقُ قَوْلِ رَبِّي: «ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (٤٩)

و كان رسول الله صلى الله عليه وآله قد أثبت رجله في مشربة أم إبراهيم حين عاده الناس. (٥٠)

محمّد قبطنی گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: مردم سخنان رسول خدا صلی الله علیه وآله را درباره علی علیه السلام در روز غدیر خم فراموش کردند، همان طور که سخنان او را در روز مشربه امّ ابراهیم فراموش کردند. هنگامی که علی علیه السلام نزدیک رسول خدا صلی الله علیه وآله آمد ولی مردم به او جایی ندادند. چون رسول خدا صلی الله علیه وآله این صحنه را مشاهده نمود، فرمود: ای مردم! اینان اهل بیت من هستند. آنها را سبک می شمارید، در حالی که من زنده و در میان شما هستم؟ به خدا قسم! اگر از شما پنهان شوم، خداوند از شما پنهان نخواهد ماند. روح، راحت، رضوان، بشارت و محبت برای کسی است که از علی علیه السلام پیروی کند و او را دوست داشته باشد و تسلیم او و جانشینانش باشد. بر من لازم است که آنها را شفاعت کنم، برای اینکه آنها پیروان من هستند و کسی که مرا پیروی کند، از من است، همان طور که درباره ابراهیم علیه السلام وارد شده؛

چون من از ابراهیم علیه السلام و ابراهیم علیه السلام از من است و دین من، دین او و روش من، روش او و فضیلت او، فضیلت من است و من از او برترم و برتری من بر او به گواه فرمایشش پروردگار است که می فرماید:

«ذَرِيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ «فرزندانی که بعضی از آنها بر بعضی دیگر برتری دارند و خداوند شنوای دانا است.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی این مطلب را بیان داشتند که مردم در مشربه ام ابراهیم، به خاطر درد پاهای ایشان به عیادت آمده بودند.

حدیث شماره بیست و نهم

۲۹. اَبی رَحْمَه الله، قال: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ [بِاسْنَادٍ يَرْفَعُهُ عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْأَعْمَى، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْجَدَلِيِّ قَالَ:

قال علي عليه السلام يا أبا عبد الله ألا حدثتك بالحسنه التي من جاء بها آمن من فرع يوم القيامة والسيئه التي من جاء بها أکبه الله علي وجهه في النار؟ قال: قلت: بلى. قال: الحسنه حَبْنًا والسيئه بغضنا. (۵۱)

ابو عبدالله جدلی گفت: امام علی علیه السلام به من فرمود:

ای ابو عبدالله! آیا می خواهی کار نیکی را به تو خبر دهم که اگر کسی به آن دست یابد، از ترس و هراس روز قیامت در امان می ماند و عمل بدی را به تو خبر دهم که اگر با آن انس گیرد، خداوند او را با صورت در آتش می اندازد؟

عرض کردم: بلی.

فرمود: آن نیکی: محبت ما و آن بدی: دشمنی ما است.

حدیث شماره سی ام

۳۰. و بهذا الاسناد، عن الحسن بن علی، عن عاصم بن حمید، عن [أبي] اسحاق النحوی قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول:

انَّ الله أدب نبيه صلى الله عليه وآله على محبته فقال: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلَاقِي عَظِيمٍ» (۵۲) ثم فَوَّضَ اليه فقال: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (۵۳)

و قال: «مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (۵۴) و انَّ رسول الله صلى الله عليه وآله فَوَّضَ الي علي عليه السلام فائتمنه فسلمتم و جحد الناس، فوالله لنحبكم أن تقولوا اذا قلنا و تصمتوا اذا صمتنا و نحن فيما بينكم و بين الله و الله ما جعل لأحد من خير في خلاف أمره. (۵۵)

اسحاق نحوی گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند به رسولش آداب محبت، را آموخت و سپس فرمود: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»؛ «تو اخلاق برجسته ای داری.»

سپس امور دینش را به

او سپرد و فرمود: «مَاءَ أَتَكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»؛ «آنچه را پیغمبر برای شما آورد، بگیرید و عمل کنید و آنچه را که شما را از آن بازداشت، عمل نکنید.»

و فرمود:

«مَنْ يَطْعَ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»؛ «آن کس که پیغمبر را فرمان بُرد، خدا را فرمان بُرده است.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله هم بعد از خود این امر را به علی علیه السلام واگذار نمود و او را امین دانست و شما شیعیان به او سر فرود آورید ولی دیگر مردمان قبول نکردند. به خدا قسم! شما را دوست دارم، زیرا می گوئید زمانی که ما گفتیم و سکوت می کنید زمانی که ما سکوت کردیم بین شما و خدای شما گواهییم. به خدا سوگند، برای هیچ کسی در مخالفت از دستورات علی علیه السلام، خیر و خوبی قرار داده نشده است.

حدیث شماره سی و یکم

۳۱. و بهذا الاسناد، عن الحسن بن محبوب، عن العلاء عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام قال:

انّ ذنوب المومنين مغفوره لهم فليعمل المومن لما يستأنف، أما أنّها ليست الا لأهل الايمان. (۵۶)

امام باقر علیه السلام فرمود:

گناهان مومنان بخشیده می شود و مومن پس از آن همانند کسی است که تازه شروع به کار کرده و روشن است که این بخشش الهی، مخصوص اهل ایمان است.

حدیث شماره سی و دوم

۳۲. و بهذا الاسناد، عن أبي جعفر عليه السلام قال:

ان الله عزّ و جلّ يعطى الدنيا من يحبّ و يبغض و لا يعطى الآخرة الا من أحبّ و انّ المومن ليسأل ربّه موضع سوط من الدنيا فلا يعطيه و يسأله الآخرة فيعطيه ماشاء و يعطى الكافر من الدنيا قبل أن يسأله ما شاء و يسأله موضع سوط فى الآخرة فلا يعطيه اياه. (۵۷)

امام باقر علیه السلام فرمود:

خداوند، دنیا را به دوست و دشمن خود داد ولی بهشت را فقط برای دوستان خود اختصاص داد. مومن از خداوند به اندازه تازیانة ای از دنیا درخواست می کند، پس به او نمی دهد ولی از آخرت، هر چقدر که درخواست کند، به او می دهد. و دنیا بدون درخواست کافران به آنان داده می شود ولی هنگامی که از خداوند می خواهند که عذاب آخرت را از آنها دور کنند، جوابی نمی شنوند.

حدیث شماره سی و سوم

۳۳. و بهذا الاسناد، عن الحسن بن علی بن فضال، عن محمّد بن الفضل، عن أبي حمزه، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول:

أنتم للجنة و الجنة لكم، أسماؤكم عندنا الصالحون و المصلحون و أنتم أهل الرضا عن الله برضاه عنكم و الملائكة اخوانكم في الخير اذا اجتهدوا. (۵۸)

امام صادق عليه السلام فرمود:

شما و بهشت برای یکدیگر آفریده شده اید. شما به نیکوکاران و اصلاح کنندگان نامیده می شوید شما از خداوند خشنود خواهید شد به سبب رضایت خدا از شما و اگر در انجام اعمال نیک تلاش کنید، ملائکه برادران شما هستند.

حدیث شماره سی و چهارم

۳۴. و بهذا الاسناد قال: قال أبو عبد الله عليه السلام:

دياركم لكم الجنة و قبوركم لكم جنة، للجنة خلقتم و الى الجنة تصيرون. (۵۹)

امام صادق عليه السلام فرمود:

شهرها و قبرهای شما برایتان بهشت است. شما برای بهشت خلق شده اید و به آنجا هم خواهید رفت.

حدیث شماره سی و پنجم

۳۵. و بهذا الاسناد قال: سمعته يقول:

إذا قام المومن في الصلاة، بعث الله الحور العين حتى يحدقن به، فاذا انصرف و لم يسأل الله منهن شيئاً تفرقن و هن متعجبات. (۶۰)

امام صادق عليه السلام فرمود:

زمانی که مؤمن نماز می خواند، خداوند متعال حورالعین را می فرستد که اطراف او باشند و هنگامی که مؤمن نماز را تمام نمود و آنها را از خداوند متعال درخواست نکرد، آنها با تعجب از دور او پراکنده می شوند.

حدیث شماره سی و ششم

۳۶. حدّثنی [محمّد بن الحسن بن أحمد بن الولید، عن [محمّد بن الحسن الصفار] عن محمّد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن

الحسن بن علي النعمان عن الحارث بن محمد الأحول، عن أبي عبد الله عليه السلام عن أبي جعفر عليه السلام قال: سمعته يقول:

إن رسول الله صلى الله عليه وآله لما أسرى به قال لعلي عليه السلام:

يا علي أتيت في الجنة نهراً أبيض من اللبن وأحلى من العسل وأشد استقامه: من السهم، فيه أباريق عدد نجوم السماء، على شاطئه قباب الياقوت الأحمر والدر الأبيض، فضرب جبرئيل بجناحه إلى جانبه، فإذا هو مسك أذفر، ثم قال:

والذي نفس محمد بيده إن في الجنة لشجراً يتصفق بالتسبيح بصوت لم يسمع الأولون والآخرون بأحسن منه، يثمر ثمراً كالرمان وتلقى الثمره على الرجل فيشقها عن تسعين حلّه و المومنون على كراسي من نور و هم الغر المحجلون، أنت قائدهم يوم القيامة، على الرجل منهم نعلان شراكهما من نور يضىء أمامه حيث شاء من الجنة. فيناهو كذلك إذ أشرفت عليه امرأه من فوقه تقول: سبحان الله يا عبد الله أما لك فينا دوله؟

فيقول: من أنت؟ فتقول: أنا من اللواتي قال الله عز وجل: «فلا تعلم نفس ما

اخفی لهم من قرّه أعین جزاءً بما كانوا یعملون» (۶۱)

ثم قال: و الذی نفس محمّد بیده آنه لیجیئه کلّ یوم سبعون ألف ملک یسمونه باسمه و اسم أیبه. (۶۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از معراج به امام علی علیه السلام فرمود:

ای علی! در بهشت نهری را دیدم که از شیر، سفیدتر و از عسل، شیرین تر و از تیر، فرو رونده تر بود. به تعداد ستارگان آسمان ها، کاسه هایی در آن بود و در کنار آن گنبدهایی از یاقوت قرمز و دُرّ سفید گذاشته بودند. جبرئیل با بالش به کنار او زد و آن مشک خوشبو بود.

سپس فرمود: قسم به آن کسی که جان محمّد صلی الله علیه و آله در دست او است، در بهشت درختی است که برگ هایش تسبیح می گویند که اولین و آخرین خلائق، صدایی به خوبی و خوشی آن نشنیده اند. میوه ای همانند انار می دهد که چون آن می افتد و مومن می شکافدش، به نود پرده تقسیم می شود.

مومنین بر تخت هایی از نور نشسته اند و از دست و پیشانی آنان نور می تابد و تو پیشوای آنان هستی. بر پای آنها کفش هایی است که بندهای آن از نور است و جلوی خود را از بهشت تا آنجا که بخواهد، ببیند، روشن می کند. در این حال زنی از بالا به او گوید: پاک است خدا. ای بنده خدا! خیر تو برای ما چیست؟

مؤمن گوید: تو کیستی؟

پاسخ دهد: از کنیزانی هستم که خداوند متعال پیرامون آنان فرموده:

«فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ «هیچ کس نمی داند، چه پاداش های مهمی که مایه روشنی چشم هاست، برای آنان پنهان است. این پاداش کارهایی است که انجام می دادند.»

سپس فرمود: قسم

به آن کسی که جان محمد صلی الله علیه و آله در دست اوست، هر روز هفتاد هزار فرشته نزد او می آیند که او را به نام و نام پدرش می خوانند.

حدیث شماره سی و هفتم

۳۷. حدّثنی محمّد بن موسی بن المتوکل [باسناد یرفعه عن مالک بن الجهنی، عن أبی عبد اللّٰه علیه السلام قال: یا مالک أ ما ترضون أن تقيموا الصلاه و تودّوا الزکاه و تکفّوا أیدیکم و تدخلوا الجنّه؟ ثم قال:

یا مالک أنّه لیس من قوم ائتمّوا بامام فی دار الدنیا الاّ جاء یوم القیامه یلعنهم و یلعنونه، الاّ أنتم و من کان بمثل حالکم، ثم قال:

یا مالک من مات منکم علی هذا الأمر شهید بمنزله الضارب بسیفه فی سبیل اللّٰه.

قال: و قال مالک: بینما أنا عنده ذات یوم جالس و أنا احدّث نفسی بشیء من فضلهم، فقال لی: أنتم و اللّٰه شیعتنا لا تظنّ أنّک مفرط فی أمرنا.

یا مالک أنّه لا یقدر علی صفه اللّٰه أحد، فکما لا یقدر علی صفه اللّٰه فکذلک لا یقدر علی صفه الرسول صلی الله علیه و آله و کما لا یقدر علی صفه الرسول فکذلک لا یقدر علی صفتنا و کذلک لا یقدر علی صفه المومن.

یا مالک إنّ المومن لیلقی أخاه فیصافحه فلا یزال اللّٰه ینظر الیهما و الذنوب تتحاتّ عن وجوههما حتّٰی یتفرّقا و أنّه لا یقدر علی صفه من هو هکذا.

و قال: إنّ أبی علیه السلام کان یقول: لن تطعم النار من یصف هذا الأمر. (۶۳)

مالک جُهنی گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:

ای مالک! آیا نمی خواهید که نماز بخوانید و زکات بدهید و دست به حرام دراز نکنید و در عوض به بهشت بروید؟

ای مالک! هر گروهی که از رهبری در دنیا پیروی کنند، روز

گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: چه قدر مردم زیادند!

عرض کردم: بلی، یابن رسول الله! چه قدر مردم زیادند!

فرمود: قسم به خدا! جز شما کسی برای خدا حج نکرد. و جز شما کسی آن دو نماز را به جا نیاورد و پاداش دو برابر نگرفت. شما داعیان و مبلغان آفتاب و ماه و ستارگانید، گناهان شما آمرزیده و اعمال نیکتان قبول می شود.

حدیث شماره سی و نهم

۳۹. حدّثنا جعفر بن محمّد بن مسرور رحمه الله قال: حدّثنی الحسین ابن محمّد بن عامر [باسناد یرفعه عن الصباح بن سیابه، عن ابي عبدالله عليه السلام قال:

انّ الرجل لیحبّبکم و ما یدری ما تقولون، فیدخله الله الجنّه و انّ الرجل لیبغضکم و ما یدری ما تقولون، فیدخله الله النار و انّ الرجل لیملأ صحیفته من غیر عمل.

قلت: فکیف؟ قال: یمرّ بالقوم ینالون منّا و اذا رأوه قال بعضهم لبعض: انّ هذا الرجل من شیعتهم و یمرّ بهم الرجل من شیعتنا فیرمونه و یقولون فیه فیکتب الله له بذلك حسنات حتّی یملا صحیفته من غیر عمل. (۶۵)

صباح بن سیابه گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:

چه بسا کسی شما را در حالی که نمی داند، چه می گوید، دوست دارد و خدا او را داخل بهشت می کند و چه بسا مردی در حالی که نمی فهمد، چه می گوید، با شما دشمنی می کند و خداوند او را به آتش می برد و مردی هست که نامه عملش، بدون اینکه عمل نیکی انجام دهد، پُر می شود.

عرض کردم: چگونه چنین چیزی امکان دارد؟!

فرمود: فرد اوّل به گروهی از بدگویان ما برخورد می کند و هنگامی که او را می بینند، بعضی از آنها می گویند: این مرد از پیروان آنها است و فرد دوّم هنگامی که شیعه ما می گذرد،

او را مورد تهمت قرار داده و درباره او آنچه را که نباید بگوید، می گوید. پس خداوند توانا حسناتی در نامه اعمال این شیعه می نویسد، بدون اینکه عملی کرده باشد.

حدیث شماره چهارم

۴۰. أبی رحمہ اللہ قال: حدّثنی سعد بن عبداللہ [باسناد یرفعہ عن منصور الصیقل، قال: کنت عند أبی عبداللہ علیہ السلام فی فسطاطہ بمنی، فنظر الی الناس فقال: یاأکلون الحرام و یلبسون الحرام و ینکحون الحرام. ولکن أنتم تأکلون الحلال و تلبسون الحلال و تنکحون الحلال.

واللّٰه ما یحجّ غیرکم و لا یتقبّل الاّ منکم. (۶۶)

منصور صیقل گفت: نزد امام صادق علیه السلام در منی بودیم، ایشان به مردم نظری افکند و فرمود:

آنها، حرام می خورند، حرام می پوشند و به حرام ازدواج می کنند ولی شما، حلال می خورید، حلال می پوشید و به حلال ازدواج می کنید. به خدا سوگند! جز شما کسی حج نیاورده و عملی غیر از عمل شما پذیرفته نمی شود.

حدیث شماره چهارم و یکم

۴۱. و بهذا الاسناد، عن الحسن بن علی بن عاصم بن حمید، عن عمر بن حنظله، قال: قال أبو عبداللّٰه علیہ السلام: یا عمر انّ اللّٰه یعطى الدنيا لمن یحبّ و یبغض و لا یعطى هذا الأمر الاّ صفوته من خلقه، أنتم و اللّٰه علی دینی و دین آبائی ابراهیم و اسماعیل، لا أعنی علی بن الحسین و لا الباقرعلیهم السلام و لو کان هولاء علی دین هولاء. (۶۷)

عمر بن حنظله گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:

«ای عمر! خداوند، دنیا را به دوست و دشمنش می دهد ولی دوستی ما را فقط به منتخبان خلایقش می دهد. به خدا قسم! شما دین من و دین پدرانم ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام را دارید و منظورم پدران نزدیکم مثل علی بن الحسین و محمّد باقرعلیهم السلام نیست، گرچه این ها هم بر دین آنها هستند، منظورم این است که شماها بر دین پدران گذشته ما از پیامبران هستید.»

حدیث شماره چهارم و دوم

۴۲. و بهذا الاسناد، عن الحسن بن علی، عن علی بن عقبه، عن موسی النمیری، عن أبی عبداللّٰه علیہ السلام قال: أتى رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیہ وآله رجل، فقال:

یا رسول اللّٰه انّی لا حبّک. فقال أنک لتحبّنی؟

فقال: واللّٰه انّی لا حبّک. فقال رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیہ وآله: أنت مع من أحببت. (۶۸)

امام صادق علیه السلام فرمود:

مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله آمد و عرضه داشت: ای رسول خدا! تو را دوست دارم. حضرت فرمود: آیا تو مرا دوست داری؟ عرض کرد: به خدا قسم که هر آینه تو را دوست دارم.

فرمود: تو با کسی که دوستش داری، خواهی بود.

حدیث شماره چهل و سوم

۴۳. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَاجِيلَوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى [بِاسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ] عَنْ حَنْظَلَةَ، عَنْ مَيْسَرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

لَا يَرَى مِنْكُمْ فِي النَّارِ إِثْنَانِ، لَا وَاللَّهِ وَ لَا وَاحِدًا. قَالَ: فَقُلْتُ:

أَيْنَ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ؟ فَأَمْسَكَ عَنِّي سِنَةً قَالَ: فَأَنَّى مَعَهُ ذَاتُ يَوْمٍ فِي الطَّوَافِ إِذْ قَالَ: لِي يَا مَيْسَرَ الْيَوْمَ أُذُنٌ لِي فِي جَوَابِكَ عَنْ مَسْأَلَتِكَ كَذَا. قَالَ: قُلْتُ:

فَأَيْنَ هُوَ مِنَ الْقُرْآنِ؟ فَقَالَ: فِي سُورَةِ «الرَّحْمَنِ» وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «فَيَوْمَئِذٍ لَأَسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ - مِنْكُمْ - إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ» (۶۹) فَقُلْتُ لَهُ: لَيْسَ فِيهَا «مِنْكُمْ»!

قال: إِنَّ أَوَّلَ مَنْ قَدْ غَيْرَهَا ابْنُ أَرَوَى وَ ذَلِكَ أَنَّهَا حُجَّةٌ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَصْحَابِهِ.

و لو لم يكن فيها «منكم» لسقط عقاب الله عز وجل عن خلقه.

إذا لم يسأل عن ذنبه إنس و لا جان فلن يعاقب الله إذا يوم القيامة؟! (۷۰)

میسر گفت: از حضرت امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود:

از شما، دو نفر هم در آتش دیده نمی شود. نه، به خدا

قسم! یک نفر هم دیده نمی شود.

عرض کردم: این موضوع از کجای کتاب خدا است؟

به من پاسخ نداد تا اینکه روزی با او در طواف بودم. فرمود: ای مُیْسِر! اکنون پاسخ خویشتن را بشنو.

عرض کردم: در کجای کتاب خدا است؟

فرمود: در سوره الرَّحْمَن.

«فَيَوْمَئِذٍ لَّا يَسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ»؛ «پس در آن روز بر گناه آدمیان و جنیان پرسش نخواهد شد.»

عرض کردم: در آیه لفظ «مِنْكُمْ» نیست!

فرمود: اوّل کسی که او را تغییر داد، ابن اروی بود و آن برهانی بر ضد او و یارانش می باشد و اگر در آیه «مِنْكُمْ» نبود، عذاب خدا از آفریدگانش برداشته می شد. اگر از گناه تمام آدمیان و جنیان باز خواست نکند، پس خداوند در روز رستاخیر چه کسی را کیفر کند؟

حدیث شماره چهل و چهارم

۴۴. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ [بِاسْنَادِهِ] عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ يَزِيدٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَاتَ يَوْمٍ:

جَعَلْتَ فِدَاكَ، قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مَلَكًا كَبِيرًا»؟ (۷۱)

قَالَ: فَقَالَ لِي: إِذَا أَدْخَلَ اللَّهُ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ، أَرْسَلَ رَسُولًا إِلَى وَلِيِّ مَنْ أَوْلِيَاءَهُ فَيَجِدُ الْحَجَبَةَ عَلَى بَابِهِ، فَيَقُولُونَ لَهُ: قَفْ حَتَّى نَسْتَأْذِنَ لَكَ. فَمَا يَصِلُ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ إِلَّا بَازِنًا وَ هُوَ قَوْلُهُ: «وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مَلَكًا كَبِيرًا». (۷۲)

عباس بن یزید گفت: روزی به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! این فرموده خداوند «وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مَلَكًا كَبِيرًا»؛ «و چون بنگری، آنجا را کشوری پُر نعمت و بزرگ می بینی.» را تفسیر کن.

فرمود: هنگامی که خداوند بهشتیان را وارد کند، رسولی را نزد دوستی از دوستانش می فرستد، نگهبانانی آنجا هستند که به آن

رسول می گویند: بیرون بایست، تا برایت اجازه بگیریم.

فرستاده خدا، جز با اجازه او وارد نخواهد شد و این است فرمایش خدای بزرگ: «وَإِذَا رَأَيْتَ تَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا» (۷۳)

حدیث شماره چهل و پنجم

۴۵. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْعَيْصِ، رَفَعَهُ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

إذا كان يوم القيامة نشفع في المذنبين من شيعتنا، فأما المحسنون فقد نجاهم الله. (۷۴)

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که روز قیامت فرا رسد، گناهکاران و شیعیان را شفاعت می کنیم ولی نیکوکاران را خداوند نجات می دهد.

پی نوشتها

(۱) عنه البحار: ۷/۲۲۱ ح ۱۳۳ و ج ۳۹/۲۷۷ ح ۵۵ و ص ۲۷۸ و ج ۶۸/۱۲۶ بشاره المصطفی: ۴۳، عنه البحار: ۶۸/۱۲۴ ح ۵۳.

(۲) ظاهراً سوال اعتراض گونه بوده است.

(۳) أمالی الصدوق: ۷، الخصال: ۲/۳۶۰ ح ۴۹، عنهما البحار: ۲۷/۱۵۸ ح ۳.

(۴) عنه البحار: ۸/۶۹ ح ۱۶ و ج ۲۷/۱۵۸ ح ۵.

(۵) عنه البحار: ۸/۶۹ ح ۱۷ و ج ۱۷/۱۵۸ ح ۶ و ج ۳۹/۳۰۵ ح ۱۱۹. أمالی الصدوق: ۳۴۸.

(۶) علل الشرائع: ۱/۱۴۴ ح ۱۱، عنه البحار: ۲۷/۸۹ ح ۴۰ و ص ۷۶ ح ۷ و عن الامالی: ۴۶۷ ح ۲۷.

(۷) أخرجه في البحار: ۷/۲۵۸ ح ۱ عن أمالی الصدوق: ۴۲ ح ۹ و الخصال: ۱/۲۵۳ ح ۱۲۵ و ج ۷۱/۱۸۰ ح ۳۳ عن الامالی. مناقب ابن شهر آشوب: ۲/۴، عنه البحار: ۲۷/۳۱۱ ح ۱، تحف العقول: ۵۶ ح ۱۶۳، عنه البحار: ۷۷/۱۶۰ ح ۱۶۲.

(۸) سوره ص: ۷۵.

(۹) عنه البحار: ۱۱/۱۴۲ ح ۹ و ج ۱۵/۲۱ ح ۳۴ و ج ۲۵/۲ ح ۲ و ج ۳۹/۳۰۶ ح ۱۲۱. تأویل الايات: ۱۸۲ ح ۱، عنه البحار: ۲۶/۳۴۶ ح ۱۹.

(۱۰) سوره الغاشية: ۳ و ۴.

(۱۱) البحار: ۶۸/۶۵ ح ۱۱۸ عن صفات الشيعة و الصحيح عن فضائل الشيعة. الكافي: ۸/۲۱۳ ح ۲۵۹، عنه البحار: ۶۸/۸۰ ح ۱۴۱.

تفسير فرات: ٢٠٨، عنه البحار: ٧/٢٠٣ ح ٩٠. بشاره المصطفى: ١٦، المستدرک: ١١/٢٧٢ ح ١٦، الوسائل: ١/٦٦ ذ ح ١١، روضه
الواعظين: ٣٤٧، مشكاه الانوار: ٩٢، البرهان: ٢/٣٤٧ ح ٣ و ج ٤/٤٥٣ ح ٦، العوالم: ٤٢/٤٣٦ ح ٤.

(١٢) أمالی الطوسی: ١١٩، عنه البحار: ٦٨/٢٣ ح ٤١، أمالی المفید: ١٦٩ ح ٤، غايه المرام: ٥٨٨ ح ١، العوالم: ٤٢/٥٣٩ ح ٧ و ص
٥٨٠ ح ١.

(١٣) عنه البحار: ٢٧/١٣٦ ح ١٣٥ و ج ٣٩/٣٠٦ ح ١٢١ و ص ٢٥٧ ذ ح ٢٢ عن مناقب ابن شهر آشوب: ٣/١٢، مقصد الراغب: ٣١
(مخطوط) العوالم: ٤٢/١٧٠ ح ٧.

(١٤) عنه البحار: ٧/١٧٨ ح ١٥ و ج ٦٨/٦٦ ح ١٢٠ و اثبات الهداه: ٣/٤٤٢ ح ٣٤٥ و العوالم: ٤١/٩٨ ح ١.

(١٥) ثواب الاعمال: ٢٤٥ ح ١، عنه البحار: ٢٥/١١٠ ح ١ و ج ١٧/١٩٣ ح ٥١ عن غيبه النعماني: ٦٤ و الكافي: ١/٣٧٦ ح ٤ و ج
٦٨/١٤٢ ح ٨٨ عن الاختصاص: ٢٥٤، أعلام الدين: ٢٤٧، اثبات الهداه: ١/٢٣٧ ح ١٩٣، غايه المرام: ١٢ ح ١١.

(١٦) عنه البحار: ٦٨/١٤٢ ح ٨٩ و العوالم: ٤٢/٤٧٧ ح ١.

(١٧) عنه البحار: ٦٨/١٤٣ ذ ح ٨٩ و العوالم: ٣٢/٤٨٧ ح ١.

(١٨) عنه البحار: ٦٨/١٤٣ ذ ح ٨٩.

(١٩) عنه البحار: ٧/٣٢٥ ح ١٩ و ج ٦٨/١٤٣ ذ ح ٨٩ و العوالم: ٤١/١٣٤ ح ٢.

(٢٠) سوره الانبياء: ١٠١-١٠٣.

(٢١) عنه البحار: ٣٩/٣٠٦ ح ١٢٢ و اثبات الهداه: ٣/٤٤٢ ح ٣٤٦ و في البحار: ٦٨/٤٥ ح ٩١ عن بشاره المصطفى: ٢٢١. أمالی
الصدوق: ٤٥٠ ح ٢ عنه البحار: ٨/٢٨ ح ٣٢. تأويل الايات: ١/٣٣١ ح ١٨. مصباح الانوار: ١٦٤ و ص ٢٠١. العوالم: ٤٢/٢٥٨ ح ١
و ص ٥٠٣ ح ٣ و ص ٥٩٤ ح ٣.

(٢٢) سوره شوری: ٥.

(٢٣) سوره الدخان: ٤١.

(٢٤) سورة الزمر، ٥٣.

(٢٥) سورة الحجر: ٤٢.

(٢٦) سورة النساء: ٦٩.

(٢٧) سورة ص: ٦٣-٦٢.

(٢٨) عنه البحار: ٧/١٧٩ ح ٧ (قطعه) و عنه البحار: ٦٨/٥٢ ح ٩٣ و عن الكافي: ٨/٣٣ ح ٦ و الاختصاص: ١٠١. تأويل الايات: ٢/٥٠٧ ح ٨ و ٩ (قطعه)، عنه البحار: ٢٤/٢٥٩ ح ٩. و أخرجه في البحار: ٤٧/٣٩٠ ح ١١٤ عن الاختصاص.

(٢٩) سورة المومن: ٧.

(٣٠) سورة دخان: ٤١.

(٣١) سورة زمر: ٥٢.

(٣٢) سورة حجر: ٤٢.

(٣٣) سورة نساء: ٦٩.

(٣٤) سورة ص: ٦٢ - ٦٣.

(٣٥) سورة البلد: ١١.

(٣٦) سورة البلد: ١٣.

(٣٧) عنه البحار: ٦٨/١٤٣ ح ٩٠. الكافي: ١/٤٣٠ ح ٨٨.

(٣٨) سورة بلد: ١١ و ١٣.

(٣٩) سورة بلد: ١١.

(٤٠) عنه البحار: ٦٨/١٧٦ ح ٣٢؛ الوسائل: ٤/١١٨٤ ح ١٢؛ العوالم: ٤٢/٦١٦ ح ١.

(٤١) بصائر الدرجات: ٨٠ ح ٢، عنه البحار: ٦٧/٧٤ ح ٢ و العوالم: ٤٢/٣٥٩ ح ٢ و ص ٣٧٦ ح ٢.

(٤٢) سورة طه: ٨٢.

(٤٣) عنه البحار: ٢٧/١٩٨ ح ٦٤، اثبات الهداه: ١/٢٣٧ ح ١٩٤. شواهد التنزيل: ١/٣٧٥ ح ٥١٩، البرهان: ٣/٤٠ ح ١١، العوالم: ١٢/١٤٩ ح ٦٦، احقاق الحق: ١٤/٥٥٨.

(٤٤) عنه البحار: ٥/٣٢٧ ح ٢٣ و ج ٦٨/٦٧ ح ١٢١ و اثبات الهداه: ٢/٤٥٣ ح ٣٥٥ و البرهان: ٤/٢٢٢ ح ٢١، ٤٢/٥٧٤ ح ١.

(٤٥) الكافي: ٣/١٢٧ ح ٢، عنه البحار: ٦/١٩٦ ح ٤٩ و ج ٦١/٤٨ ح ٢٤، تأويل الايات: ٢/٧٩٧ ح ٩، عنه البحار: ٢٤/٩٤ ح ٧، البرهان: ٤/٤٦٠ ح ٢، العوالم: ٣٩/٦٩ ح ٤٢ و ج ٤٢/٤١١ ح ٢.

(٤٦) عنه البحار: ٧/١٧٩ ح ١٨ (قطعه) و ج ٦٨/٦٨ ح ١٢٢، مشكاة الانوار: ٩٧، البرهان: ٤/٢٩٣ ح ١٣، العوالم: ٤١/١٠٥ ح ٢٨.

(٤٧) عنه البحار: ٧/١٨٠ ح ١٩ و ج ٦٨/٦٨ ح ١٢٢ و العوالم: ٤١/١٠١ ح ١٧ و ج ٤٢/٤٤٦ ح ٣.

(٤٨) عنه البحار، ٧/١٨٠ ح ٢٠ و عنه البحار: ٦٨/٢٧ ح ٥٠ و عن بصائر الدرجات: ٨٤ ح ٥. أعلام الدين: ٢٨٢، العوالم: ٤٢/٤٧٩ ح ١.

(٤٩) سورة آل عمران: ٣٤.

(٥٠) عنه البحار: ٢٣/١٥٤ ملحق

ح ١١٨. بصائر الدرجات: ٥٣ ح ١، عنه البحار: ٣٦/٢٤٨ ح ٥٦. أمالي الصدوق: ٩٨ ح ١٠، عنه البحار: ٣٨/٩٥ ح ١٢، بشاره المصطفى: ٢٤، اثبات الهداه: ٢/٤٢١ ح ٢٨٥ و ص ٤٥٦ ح ٣٥٩، العوالم: ٤٨/٣٤٠ ح ١.

(٥١) عنه البحار، ٦٨/١٤٣ ذح ٩٠، أعلام الدين: ٢٧٥، العوالم: ٤٢/٥٨١ ح ١.

(٥٢) سورة القلم، ٤.

(٥٣) سورة الحشر، ٧.

(٥٤) سورة النساء: ٨٠.

(٥٥) سورة المحاسن: ١/١٦٢، عنه البحار: ٢/٩٥ ح ٣٧، الكافي: ١/٢٦٥، عنه البحار: ١٧/٣ ح ١، بصائر الدرجات: ٣٨٤ ح ٤ و ص ٣٨٥ ح ٧، عنه البحار: ٢٥/٣٣٤ ح ١٣ الوسائل: ١٨/٥٠ ح ٣٢، البرهان: ٤/٣١٤ ح ١، العوالم: ٤٩/١٣٨ ح ١.

(٥٦) الكافي: ٢/٤٣٤ ح ٦.

(٥٧) عنه البحار: ٩٣/٣٦٨ ح ٢.

(٥٨) عنه البحار: ٦٨/١٤٤ ذح ٩٠ و العوالم: ٤٢/٤٦٠ ح ٢ و ص ٤٨٤ ح ١.

(٥٩) عنه البحار: ٨/٣٦٠ ح ٢٦ و ج ٦٨/١٤٤ ذح ٩٠ و العوالم: ٤١/٤٤٠ ح ٢٧ و ج ٤٢/٤٥٧ ح ٢٠.

(٦٠) عنه البحار: ٨٦/١٧ ح ١٤ و عن أعلام الدين: ٢٧٩ و عده الداعي: ٥٨. الوسائل: ٤/١٠٤٠ ح ٤.

(٦١) سورة السجده: ١٧.

(٦٢) المحاسن: ١/١٨٠ ح ١٧٢، تأويل الايات: ١٥٨ ح ١، البحار: ٨/١٣٨ ح ٥، البرهان: ٣/٢٨٥ ح ٧.

(٦٣) عنه البحار: ٧/١٨٠ ح ٢١ (قطعه) و ج ٦٨/٦٨ ح ١٢٤ عن صفات الشيعة. الكافي: ٨/١٤٦ ح ١٢٢، تنبيه الخواطر: ٢/١٤٦، العوالم: ٤٢/٢٠٨ ح ٥ و ص ٤٧٦ ح ١.

(٦٤) بحار الانوار، ج ٢٧، ص ١٨٤؛ مستدرک، ج ١، ص ١٦٠.

(٦٥) عنه البحار: ٨/٣٦٠ و ج ٢٧/١٣٦ ح ١٣٦ و في ج ٦٩/٢٤٦ ح ٢١ عن الكافي: ٢/١٢٦ ح ١٠ (قطعه) و الكافي: ٨/٣١٥ ح ٤٩٥. الوسائل: ١١/٤٣٩ ح ١، العوالم: ١٢/١٣٥ ح ١٧٢، ج ٤١/٤٤٠ ح ٢٨ و ج ٤٢/٤٣٩ ح ١.

(٦٦) عنه البحار: ٢٧/١٩٩ ح ٦٥ و المستدرک: ١/٢٣ ح ٥٣.

(٤٧) أعلام الدين: ٢٧٥، عنه البحار: ٢٧/١٢٢ ح ١٠٧ و العوالم: ٤٢/٤٤٠ ح ٢.

(٤٨) عنه البحار: ٢٧/١٣٧ ح ١٣٧ و العوالم: ١٢/١٢٠ ح ٧٢. أعلام الدين: ٢٧٥.

(٤٩) سورة الرحمن: ٣٩.

(٧٠) عنه البحار: ٧/٢٧٣ ح ٤٥ و ح ٨/٣٦٠ ح ٢٨. تفسير فوات: ١٧٧، عنه

البحار:

(٧١) سورة الدهر: ٢٠.

(٧٢) عنه البحار: ٨/١٩٧ ح ١٨٨، معانى الاخبار: ٢١٠ ح ١، البرهان: ٤/٤١٥ ح ٢.

(٧٣) سورة انسان، آيه ٢٠.

(٧٤) عنه البحار: ٨/٥٩ ح ٧٧.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

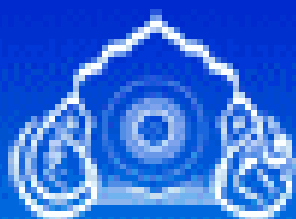
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

